

## Evidences and Legal Effects of Accepting the Right to Resistance of the Palestinian People Against the Israeli Occupation from the Point of View of International Law

Alireza Arashpur<sup>1</sup>, Morteza Rasteh<sup>2</sup>✉, Mohamad Setayeshpur<sup>3</sup>, Saeed Ghaedi<sup>4</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** On 7 October 2023, Israel began a new wave of aggression in the Gaza Strip, committing unprecedented crimes that resulted in thousands of Gaza residents being martyred or injured. Despite this, Israel and its Western supporters speak of the "right to self-defense" and justify these aggressions with that single phrase. However, according to international regulations, people under colonial rule and foreign occupation, if they cannot exercise their right to self-determination peacefully, are entitled to the right of resistance. In this regard, the aim of this research is to identify the evidences for the necessity of recognizing the Palestinian people's right to resistance and the significant legal effects that this right entails.

**Method:** This research has been conducted using a descriptive-analytical method and library and documentary resources.

**Findings and Conclusions:** In light of the concept of natural law, and specifically the right to self-determination as one of the peremptory norms of international law, the people of occupied territories -including Palestine- can exercise their right to resistance with all available means, including armed struggle, while adhering to the standards of international law. In this context, the occupying power does not have the right to invoke self-defense within the occupied territory, nor can it use that as a pretext to violate international law or justify its illegal actions. Therefore, it can be said that the right to resistance provides a guarantee for ending the occupation. Furthermore, third-party states are also obligated not only to refrain from recognizing the illegal situation caused by the occupation but also to provide moral and material support to the people under domination to help end the violation of peremptory norms and the occupation.

**Keywords:** Right to Resistance, Right to Self-determination, Occupation, Self-defense, Armed Struggle, Palestine, Israel.

\*Citation (APA): Arashpur, A.; Rasteh, F.; Setayeshpur, M.; Ghaedi, S. (2024). Evidences and Legal Effects of Accepting the Right to Resistance of the Palestinian People Against the Israeli Occupation from the Point of View of International Law. *International Legal Research*, 17(64), 159-190.

1. Associate Prof., Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Email: a.arashpour@ase.ui.ac.ir

2. MA. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Author).

Email: morteza.rasteh313@gmail.com

3. Assistant Prof., Department of International law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

Email: m.setayeshpur@qom.ac.ir

4. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Email: saeedghaedilaw@gmail.com



## ادله و آثار قانونی پذیرش حق بر مقاومت مردم فلسطین در مقابل اشغالگری اسرائیل از دیدگاه حقوق بین الملل

علیرضا آرش پور<sup>۱</sup>، مرتضی راسته<sup>۲</sup>، محمد ستایش پور<sup>۳</sup>، سعید قائدی<sup>۴</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** اسرائیل از روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳، موج جدید تجاوزهای خود را در نوار غزه آغاز کرد و جنایت‌های بی‌سابقه‌ای را مرتکب شد که در پی آن، هزاران تن از ساکنان غزه به شهادت رسیده و یا مجروح شده‌اند. با وجود این، اسرائیل و حامیان غربی‌اش از «حق دفاع مشروع» سخن می‌گویند و تجاوزها را با همین یک عبارت توجیه می‌کنند. این در حالی است که بر اساس مقررات بین‌المللی، مردم تحت سلطه استعمار و اشغال خارجی، چنانچه امکان اعمال حق تعیین سرنوشت خود را به صورت مسالمت‌آمیز نداشته باشند، از حق مقاومت برخوردارند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، شناسایی ادله لزوم به رسمیت شناختن حق بر مقاومت مردم فلسطین و آثار قانونی مهمی که این حق به دنبال دارد، است.

**روش:** این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** در پرتو اندیشه حقوق طبیعی و مشخصاً، حق تعیین سرنوشت به عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل، مردم سرزمین تحت اشغال از جمله فلسطین می‌توانند حق بر مقاومت را با تمام ابزارهای موجود، حتی مبارزه مسلحانه و با رعایت موازین حقوق بین‌الملل استیفا نمایند. در این راستا، قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی، حق توسل به دفاع مشروع را ندارد و نمی‌تواند آن را دستاویزی برای نقض حقوق بین‌الملل قرار دهد یا اقدامات نامشروع خود را با آن توجیه کند. بر این اساس، می‌توان گفت حق بر مقاومت، تضمینی برای خاتمه‌بخشیدن به اشغال فراهم می‌کند. ضمن اینکه دولت‌های ثالث نیز موظف هستند نه تنها از شناسایی وضعیت غیرقانونی ناشی از اشغالگری خودداری کنند، بلکه باید در راستای پایان‌بخشیدن به نقض قواعد آمره و اشغالگری، کمک‌های معنوی و مادی خود را از مردم تحت سلطه دریغ نورزند.

**کلیدواژه‌ها:** حق بر مقاومت، حق تعیین سرنوشت، اشغال، دفاع مشروع، مبارزه مسلحانه، فلسطین، اسرائیل.

\* استناددهی (APA): آرش پور، علیرضا؛ راسته، مرتضی؛ ستایش پور، محمد؛ قائدی، سعید. (۱۴۰۳). ادله و آثار قانونی پذیرش حق بر مقاومت مردم فلسطین در مقابل اشغالگری اسرائیل از دیدگاه حقوق بین‌الملل. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۴)، ۱۹۰-۱۵۹.

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: a.arashpour@ase.ui.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: morteza.rasteh313@gmail.com
۳. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: m.setayeshpur@qom.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: saeedghaedilaw@gmail.com



## مقدمه

نیمه دوم قرن بیستم شروعی بر به‌خطرافتادن صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه است و این وضعیت را باید ناشی از اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط اسرائیل دانست که به‌عنوان یک عمل غیرقانونی، شکلی از سلطه و انقیاد بیگانگان محسوب می‌شود. از آنجا که تداوم اشغال می‌تواند طیف وسیعی از اعمال غیرقانونی از جمله آپارتاید<sup>۱</sup> و نابودسازی فرهنگی<sup>۲</sup> را در کنار نقض قواعد مربوط به جنگ و مخاصمه، حاکمیت بر منابع طبیعی، معاهدات و هنجارهای حقوق بشر، تسهیل نماید، ادامه اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل و نادیده گرفتن مقررات بین‌المللی، همراه با ناتوانی سازمان ملل در اتخاذ تدابیر لازم برای تحقق حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها، مردم این سرزمین را ناگزیر از انتخاب مسیر مقاومت و مبارزه کرده است. بر این اساس، مقاومت مردم فلسطین در برابر یک قدرت اشغالگر غیرقانونی با استفاده از تمام سازوکارها و ابزارهایی که در اختیار دارند، اقدامی مشروع است. محروم کردن ملت‌ها از چنین حقی به معنای نقض حق برابری و کرامت انسانی آنهاست که برخلاف «منشور ملل متحد»<sup>۳</sup> است.

با عنایت به اینکه امروزه تجاوز و جنایات اسرائیل علیه سرزمین و ملت فلسطین وارد فاز جدیدی شده و اشغالگری رژیم صهیونیستی نسبت به گذشته آشکارتر شده است، به‌رسمیت‌شناختن حق مقاومت و گستره آن در راستای تحقق حق تعیین سرنوشت خود از سوی فلسطینی‌ها، از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، ضمن تبیین ادله لزوم به‌رسمیت‌شناختن حق بر مقاومت و شناسایی آثار قانونی مهمی که این حق به‌دنبال دارد، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا مبارزات آزادی‌بخش مردم فلسطین علیه اسرائیل در اعمال تعیین حق سرنوشت خویش و با هر ابزاری که در اختیار دارند، در حقوق بین‌الملل مشروعیت لازم را دارد؛ و این مقاومت از منظر حقوقی چگونه تحلیل می‌شود؟ ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که هرچند به دلیل اهمیت اساسی موضوع فلسطین و تجاوز و اقدامات غیرانسانی اسرائیل در آن سرزمین، پیرامون آن مقالاتی به رشته تحریر در آمده است، اما تحقیقی که منحصراً و به تفصیل، ادله و آثار قانونی پذیرش حق بر مقاومت مردم فلسطین در مقابل اشغالگری اسرائیل را از دیدگاه حقوق بین‌الملل دنبال نموده باشد، انجام نشده است. از این رو، نوآوری موضوع تحقیق و فقدان پژوهشی ویژه و مبسوط در این خصوص، دلیل و انگیزه انجام دادن آن است.

## 1. Apartheid

۲. ارتکاب اعمالی همچون انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر، کوچاندن فلسطینی‌ها از سرزمین‌های خود، ساخت دیوار حائل، اعمال نژادپرستانه، حمله و جلوگیری از ورود به اماکن مقدس، ممانعت از انجام اعمال مذهبی، تخریب ساختمان‌های مذهبی، تخریب کتابخانه‌های فلسطینی و ممانعت از آموزش، همگی نشان‌دهنده تلاش رژیم اسرائیل برای نابودسازی فرهنگی در فلسطین است. چنین مواردی، به ژنوساید یا نسل‌کشی فرهنگی نیز تعبیر شده‌اند (حق سرشت و آرش پور، ۱۳۹۸: ۹۲۵-۹۲۸).

## 3. Charter of the United Nations (1941)

در راستای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، پس از بررسی چهارچوب مفهومی پژوهش (بخش ۱)، سازمان پژوهش بدین صورت توجیه می‌شود: ادله لزوم به رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت مردم فلسطین بر این نتیجه استوار است که این موضوع مغایرتی با اصول منشور ملل متحد ندارد و به دلیل عدم تکلیف ملت تحت سلطه بر وفاداری و اطاعت از دولت اشغالگر، چنین مقاومتی از سوی فلسطینیان اقدامی مشروع در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش است (بخش ۲). چنین مقاومتی با ممنوعیت استفاده از زور مغایرتی ندارد؛ زیرا نوعی دفاع از خود جمعی توسط مردم است و در برخی اسناد و رویه دولت‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است (بخش ۳). بر این اساس، دولت اسرائیل موظف است از آزار و اذیت فلسطینی‌ها به خاطر این مقاومت مشروع، دست بردارد. علاوه بر این، اسرائیل نمی‌تواند در برابر چنین آشکال مقاومتی، به دفاع مشروع از خود استناد کند و آن را دستاویزی برای نقض حقوق بین‌الملل قرار دهد یا اقدامات نامشروع خود از جمله سرکوب یا آزار و اذیت فلسطینی‌ها را با آن توجیه کند. ضمن اینکه از تغییر ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت سرزمین فلسطین منع شده است و موظف است سرزمین‌های اشغالی را ترک نماید. همچنین، سایر دولت‌ها نیز موظفند ضمن نامشروع دانستن وضعیت ناشی از نقض یک قاعده آمره و عدم مساعدت در حفظ آن، از مقاومت ملت فلسطین در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش حمایت نمایند (بخش ۴).

### ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

به منظور به کارگیری مفاهیم و اصطلاحات موجود در موضوع پژوهش حاضر، نیاز است که ابتدا این مفاهیم تعریف شوند. در این پژوهش، «حق تعیین سرنوشت» و «حق بر مقامت» و «اشغال»، محور اصلی مقاله می‌باشند که در ادامه به تبیین این مفاهیم پرداخته خواهد شد.

#### ۱-۱. حق تعیین سرنوشت

یکی از اهداف بنیادین سازمان ملل متحد، تقویت و گسترش روابط دوستانه میان ملت‌ها بر پایه احترام به اصل برابری حقوق و حق مردم در تعیین سرنوشت خویش است. در این چهارچوب، حق تعیین سرنوشت به عنوان یک اصل بنیادین و پشتیبان حقوق بشر، جایگاهی برجسته در حقوق بین‌الملل دارد و در طول دوران فعالیت این سازمان، تحولات عمیقی در مفاهیم مربوط به این اصل رخ داده است (بیگ‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵). گسترش حق قانونی تعیین سرنوشت پس از امضای منشور ملل متحد، به عنوان بخشی از جنبش علیه استعمارزدایی در دهه ۱۹۶۰ رخ داد. بنابراین، معنای اصلی حق تعیین سرنوشت، بر ایده آزادی از سلطه و انقیاد خارجی تمرکز دارد.<sup>۱</sup> برای روشن شدن معنای حق قانونی تعیین سرنوشت، ضروری است که چگونگی ارتباط آن با تعیین سرنوشت

1. ICJ, 1971: Paras.52-53

به‌عنوان یک اصل سیاسی یا حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. این حق به‌عنوان یک اصل سیاسی، حداقل دارای سه جنبه اساسی می‌باشد. یک جنبه این است که مردم یک کشور باید بتوانند بدون مداخله خارجی، وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تعیین کنند. جنبه دوم اینکه، اقلیت‌های قومی یا فرهنگی باید بتوانند نحوه تشکل خود را تعیین کنند. جنبه سوم نیز این است که یک کشور باید بر اساس اصول دموکراتیک بنا شود تا همه مردم از جمله گروه‌های مختلف، در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت داشته باشند. تلاش شده است تا هر یک از این جنبه‌ها، با درجات مختلفی در مفهوم حقوقی بین‌المللی تعیین سرنوشت، در نظر گرفته شوند (والدرون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۳۹۷-۴۰۶). مؤلفه‌های سیاسی، اولین عناصر حقوقی بین‌المللی بودند که بیشترین پذیرش را از سوی دولت‌ها داشته‌اند. این موارد نه تنها از نظر سیاسی مهم هستند، بلکه یک الزام حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شوند (مولرسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴: ۹۱-۹۲).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان اذعان داشت که حق تعیین سرنوشت به معنای حق تمامی ملت‌ها است که به‌طور آزادانه و بدون دخالت خارجی، وضعیت سیاسی داخلی و موقعیت خود در جامعه بین‌المللی را بر اساس اصل تساوی حقوق دولت‌ها تعیین کنند. بدین ترتیب، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته می‌شود که بر اساس آن، تمامی افراد و گروه‌های اجتماعی، بدون توجه به قومیت، نژاد یا مذهب و بی‌آنکه مداخله خارجی صورت گیرد، می‌توانند در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، بر اساس تحلیل‌های مفهومی مرتبط با حق تعیین سرنوشت، چنین استنباط می‌شود که این حق به‌ویژه زمانی برجسته می‌شود که ملت‌ها در برابر حکومت‌های استعمارگر، اشغالگر یا رژیم‌های تبعیض‌نژادی ایستادگی می‌کنند (زمانی و آجلی لاهیجی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

## ۲-۱. حق بر مقاومت

از دیدگاه تاریخی، «حق بر مقاومت» به عصر روشنگری بازمی‌گردد. اندیشمندان سیاسی و فیلسوفان زمان از جمله «توماس هابز»<sup>۳</sup>، با این توجیه که «انسان، گرگ انسان است»<sup>۴</sup>، در مورد ضرورت چنین حقی توافق داشتند (روسلو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). برخی نویسندگان مقاومت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تلاش برای خنثی کردن اقتدار دولتی بیگانه که در یک کشور مستقر است و به‌چالش کشیدن تلاش‌های دولت اشغالگر برای حاکمیت و کاهش قدرت سیاسی آن، با استفاده از اقداماتی غیر از مواردی که دولت اشغال‌شده از طریق سازوکارهای عادی قانونی فراهم می‌کند»

1. Waldron
2. Mullerson
3. Thomas Hobbes
4. Man is a wolf to man
5. Rossello



(فینلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۲۰). در چهارچوب حقوق بین الملل موضوعه نیز برخی بر این باورند که مقاومت در برابر اشغالگر به نوعی بخشی از حق دولت برای دفاع از خود<sup>۲</sup> محسوب می شود؛ چرا که این مقاومت به عنوان مکمل یا جایگزین نیروهای نظامی در مقابله با اشغالگران عمل می کند. با این حال، به رغم اینکه میان حق مقاومت و دفاع مشروع ارتباط نزدیکی وجود دارد، پذیرش این مبنا که حق «مقاومت» به مردم سرزمین های اشغالی و حق «دفاع مشروع» به دولت ها محدود شود، شناسایی حق مقاومت در سرزمین های فاقد دولت، نظیر فلسطین (حداقل تا سال ۱۹۶۷) را دشوار می سازد. از سوی دیگر، تأکید بر دفاع مشروع ممکن است منجر به این ادعا شود که تنها اعضای نیروهای مسلح حاضر در سرزمین اشغالی مجاز به تشکیل جنبش های مقاومت هستند؛ در حالی که کنوانسیون های ژنو و لاهه چنین محدودیتی را مطرح نکرده اند. بنابراین، توجیه حق مقاومت بر مبنای حقوق طبیعی و در چهارچوب حقوق بشر و از جمله حق تعیین سرنوشت، قلمرو آن را گسترده تر می سازد.

مقاومت در برابر اشغال می تواند به شکل های مختلفی مانند مبارزات مردمی و تشکیل جنبش های آزادی بخش بروز کند. شناسایی جنبش های آزادی بخش توسط نهادهای بین المللی یا منطقه ای، جنبه ای تأسیسی داشته و تأثیر قابل توجهی بر مشروعیت آنها دارد؛ اما در مورد مبارزات مردمی که بیشتر بر جنبه های نظامی تکیه دارند، نیازی به چنین شناسایی ای نیست. با این حال، این امر به هیچ وجه مانع از اعمال حقوق بشردوستانه بین المللی بر مخاصمات میان گروه های مقاومت و دولت اشغالگر نمی شود. به همین ترتیب، اگر غیرنظامیان در دوران اشغال به نیروهای نظامی دولتی ملحق شوند یا به طور مستقل در برابر تهاجم خارجی مقاومت کنند، آنها نیز مشمول قواعد حقوق بشردوستانه خواهند بود. در این راستا، استفاده از هرگونه ابزار موجود علیه قدرت اشغالگر غیرقانونی و رژیم های نژادپرست با هدف تعیین سرنوشت خویش نیز ممکن است در چهارچوب مقاومت در برابر اشغال، مشروع باشد. به این ترتیب، مقاومت می تواند به صورت اقداماتی ایجابی یا سلبی بروز یابد (مقامی، ۱۴۰۳/ب: ۲۰).

### ۱-۳. اشغال

اشغال طبق حقوق بین الملل به معنای تصرف و تسلط نیروهای نظامی یک دولت بر سرزمینی است که تحت حاکمیت دولت دیگر قرار دارد. این فرآیند شامل استقرار قدرت و حاکمیت دولت اشغالگر بر آن سرزمین یا حتی تلاش برای اعمال حاکمیت بر آن اراضی است (مقامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۸). بر این اساس، یک سرزمین زمانی اشغال شده تلقی می شود که عملاً، تحت اختیار ارتش متخاصم قرار گیرد. در این خصوص، شایان ذکر است که «کنترل مؤثر» در قلب مفهوم

1. Finlay

2. Right of Self-defense (Légitime Défense)

اشغال قرار دارد و مهم‌ترین شرط تحقق اشغال به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که بدون اعمال کنترل مؤثر از سوی نیروهای مسلح خارجی، اشغال یک سرزمین به طور کامل محقق نخواهد شد. برای آنکه کنترل مؤثر عینیت یابد، وجود سه شرط اساسی ضروری است: نخست، قدرت اشغالگر باید دولت قانونی و حاکم را ناتوان از اعمال حاکمیت در آن منطقه بداند؛ دوم، قدرت اشغالگر در موضعی باشد که خود را جانشین حاکمیت دولت مشروع در سرزمین اشغالی به شمار آورد؛ سوم، اعمال حاکمیت توسط قدرت اشغالگر به جای قدرت مشروع می‌بایست بدون رضایت دولت میزبان انجام گیرد (احمدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۶۷). از این رو، در جایی که دولتی به ارتش خارجی رضایت داده باشد یا زمانی که پس از رضایت، آن را لغو کند، اشغال وجود نخواهد داشت. لذا، بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هنگامی که یک اشغال در چهارچوب معیارهای واقعی قرار گیرد، قواعد حقوق اشغال اعمال می‌شود. بنابراین، حقوق اشغال، یک چهارچوب نظارتی است که در هنگام جنگ و زمانی که یک دولت بدون دعوت دولت ثالث به کنترل مؤثر در قلمرو آن دولت دست یابد، اعمال می‌شود و هدف اصلی آن، صیانت از حاکمیت دولت اشغال‌شده و همچنین، حفاظت از امنیت و حقوق ساکنان مناطق تحت اشغال است (لونگوباردو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۲۱).

در عرصه بین‌المللی، دو رویکرد سنتی و مدرن در مورد حقوق اشغال وجود دارد: رویکرد سنتی بر این باور است که تحقق اشغال و تثبیت آن تنها زمانی ممکن است که نیروهای نظامی به طور فیزیکی در منطقه حضور داشته باشند و حاکمیت خود را بر سرزمین اشغالی اعمال کنند؛ بنابراین، «کنترل مؤثر» را تنها در این شرایط، قابل تحقق می‌داند. این در حالی است که در رویکرد مدرن، برای تحقق وضعیت اشغال خصمانه، تنها توانایی در اعمال حاکمیت کافی است و مفهوم «کنترل مؤثر» باید بر اساس شرایط و واقعیت‌های موجود، ارزیابی شود (احمدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۶۵). دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در سال ۲۰۰۴ در مورد پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در اراضی اشغالی فلسطین، رویکرد مدرن را اتخاذ کرد.<sup>۲</sup>

## ۲. ادله لزوم به رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت مردم فلسطین

به طور کلی، ادله لزوم به رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت مردم فلسطین را می‌توان در موضوعات زیر خلاصه نمود: ۱- عدم مغایرت با اصول منشور ملل متحد؛ ۲- اقدامی مشروع در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش؛ ۳- عدم تکلیف ملت تحت سلطه بر وفاداری و اطاعت از دولت اشغالگر. در ادامه، به بررسی هر یک از این ادله پرداخته خواهد شد.

1. Longobardo

2. ICJ, 2004: Para.136.

## ۲-۱. عدم مغایرت با اصول منشور ملل متحد

شناسایی یک وضعیت غیرقانونی و نامشروع فاحش در خصوص سلطه و انقیاد بیگانگان بیانگر این است که مردم حق دارند در برابر آن مقاومت نمایند. با اعلام صریح منشور ملل متحد، در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک کشور عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ و برقراری صلح و امنیت بین المللی را انجام نداده است، به آن کشور حق دفاع از خود با هر وسیله ممکن - به طور فردی یا دسته جمعی - داده می شود تا با توسل به زور از خویش دفاع کرده، دشمن متجاوز را درهم بشکند و در مقابل آن بایستد (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۳: ۴۴۲). در اینجا، قانونی بودن مقاومت ملت ها با تمام ابزارهای مشروعی که در اختیار دارند، به طور ضمنی اشاره به «شدت و وخامت وضعیت غیرقانونی» دارد. در چنین شرایطی و در غیاب اراده سیاسی از سوی جامعه بین المللی برای مدیریت این موضوع، مقاومت ملت ها در برابر یک وضعیت غیرقانونی، به عنوان راه حلی برای برون رفت از بحران ناشی از این وضعیت، تلقی می گردد. علت چنین حکمی آن است که سلطه و انقیاد بیگانگان به هر شکل - از جمله آپارتاید و سایر اشکال نژادپرستی - برخلاف منشور ملل متحد بوده و مانع برقراری صلح بین المللی می شود. این موضع به طور کلی مورد تأیید مجمع عمومی نیز قرار گرفت؛ به ویژه، در قطعنامه ۳۰۷۰ مجدداً تأکید کرد که «تداوم استعمار در تمام اشکال و مظاهر آن، نامشروع محسوب می شود»<sup>۱</sup>.

ممکن است ادعا شود که ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق مقاومت را فقط به دولت مورد تجاوز اختصاص داده و شامل گروه های غیردولتی یا جنبش های آزادی بخش نمی شود. در پاسخ باید گفت، حتی در صورتی که بر تفسیر مضیق مفاد ماده ۵۱ اصرار ورزیده شود، با توجه به تحولات صورت گرفته در نظام بین المللی و ظهور کنشگران غیردولتی با ماهیت ها و اهداف گوناگون، «اعلامیه اصول حقوق بین الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت ها مطابق با منشور ملل متحد (اعلامیه روابط دوستانه)»<sup>۲</sup> که بخشی از حقوق بین الملل عرفی محسوب می شود، به این قبیل از کنشگران غیردولتی و جنبش های آزادی بخش، حق مقاومت و دفاع از خود را به منظور تحقق حق تعیین سرنوشت اعطا کرده است. بر همین اساس، جنبش های آزادی بخش می توانند با رعایت موازین و الزامات مرتبط، از این حق مشروع برای توسل به اقدامات دفاعی و مقاومتی بهره مند شوند (اسماعیلی و علیزاده، ۱۴۰۳: ۳۰۵). «اعلامیه جهانی حقوق بشر»<sup>۳</sup> در مقدمه خود تأکید می کند که «ضروری است که اگر انسان ناچار نشود در نهایت، به شورش علیه استبداد و ظلم متوسل شود، حقوق بشر باید تحت حاکمیت قانون محافظت شود». واژه پردازی مقدمه اعلامیه نشان می دهد زمانی که حقوق بشر تحت حاکمیت قانون حمایت نشود، «توسل به شورش علیه

1. UNGA, 1973[B]

2. Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations (1970)

3. Universal Declaration of Human Rights (1948)



استبداد و ظلم» یک وضعیت قابل‌پیش‌بینی است. این استدلال، موقعیت‌هایی که نیازمند مجموعه‌ای متفاوت از قوانین است را مستثنی می‌داند. در اینجا، یک دیدگاه استثنایی که توسل هدفمند به زور را مشروعیت می‌بخشد، به دلیل وجود یک وضعیت غیرقانونی فاحش، ضروری تلقی می‌شود. این منطق، بازتابی از اصل حقوقی «دفع زور با زور مجاز است»<sup>۱</sup> است. از سوی دیگر، نکته اساسی در چنین دیدگاهی این است که انکار حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، به‌طور اجتناب‌ناپذیر موجب ایجاد نارضایتی در میان مردم تحت‌سلطه خواهد شد و در نهایت، شرایط را برای ایجاد مناقشه و تداوم آن، تقویت خواهد کرد (حموری<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳: ۱۱). «مجمع عمومی سازمان ملل»<sup>۳</sup> در قطعنامه ۱۵۱۴ موسوم به «اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت‌استعمار»<sup>۴</sup>، به این نکته اشاره کرد که: «... از درگیری‌های فزاینده ناشی از انکار یا ایجاد موانع در راه آزادی این قبیل مردم [مردم تحت انقیاد، سلطه و استثمار خارجی] که تهدیدی جدی علیه صلح جهانی است، آگاهی دارد و مشروعیت مبارزه مردم ستم‌دیده در راستای تحقق حقوق انسانی و سیاسی خود که در «منشور ملل متحد» و «اعلامیه جهانی حقوق بشر» مقرر شده است را به رسمیت می‌شناسد...»<sup>۵</sup>.

## ۲-۲. اقدامی مشروع در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش

هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی، حق گروهی از افراد که خود را به‌عنوان «ملت» می‌پندارند را در تعیین سرنوشت خویش و درخواست استقلال از راه‌های مسالمت‌آمیز، به‌طور صریح منع نکرده است. بر این اساس، «تعیین سرنوشت» به‌عنوان یک حق برای ملت‌ها، به‌سازوکار ویژه و از پیش تعیین‌شده‌ای وابسته نیست و به گروه خاصی تعلق ندارد.<sup>۶</sup> از این‌رو، حتی اگر بخشی از یک ملت تسلیم شوند و اشغال را بپذیرند، حق مقاومت برای آن اقلیتی که اشغال را نپذیرفته‌اند، باقی می‌ماند تا در مقابل آن بایستند. بر این اساس، با وجود اینکه تشکیلات خودگردان فلسطین به تشکیل دولت فلسطین در بخش کوچک غزه رضایت داده است، اما حماس براساس قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی، در پی بازپس‌گیری اراضی اشغالی شده است. این ادعا در مورد کرانه باختری نیز مطرح است (منفرد و طباطبایی، ۱۳۹۹: ۶۲۲).

با پذیرش حقانیت و مشروعیت مبارزه ملت‌ها علیه سلطه استعمار و انقیاد بیگانگان در قالب مقاومت و در راستای پیگیری حق تعیین سرنوشت و استقلال خود، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان مبارزه «مسلحانه» را مشروع دانست؟ در مقام پاسخ به این پرسش، باید گفت که حقوق بین‌الملل به‌گونه‌ای تکامل یافته است که نامتقارن بودن موقعیت مردم تحت‌سلطه را به رسمیت

1. Vim vi repellere licet
2. Hammouri
3. United Nations General Assembly (UNGA)
4. Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples (1960)
5. UNGA, 1960
6. ICJ (International Court of Justice), 2019: Para.158

می‌شناسد. مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه‌های متعدد،<sup>۱</sup> به ویژه قطعنامه‌های ۳۰۷۰ (۱۹۷۳) و ۳۵/۱۲۲ (۱۹۸۰)، با مطرح نمودن این عدم تقارن قدرت، قاطعانه بر حق فلسطینی‌ها برای تعیین سرنوشت خود تأکید نمود و بر این باور است که عملکرد اسرائیل، به ویژه محروم کردن مردم فلسطین از حق تعیین سرنوشت و استقلال خود، تهدیدی جدی و روزافزون برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> سپس، در پاراگراف دوم به تأیید مشروعیت مبارزه ملت‌ها برای استقلال، تمامیت ارضی، وحدت ملی و رهایی از استعمار و سلطه بیگانگان و اشغال خارجی «با تمام ابزارهای مشروع» می‌پردازد.<sup>۳</sup> البته، لازم به ذکر است که مجمع عمومی، عبارت «تمام ابزارهای مشروع» را فقط به عنوان یک مفهوم عام و مرسوم در نظر گرفته است و بین این عبارت و سایر مفاهیم مشابه از جمله «تمام ابزارهای لازم»، «تمام وسایل موجود» و «تمام راه‌های مناسب» تفاوت قابل توجهی قائل نشده است. بر این اساس، گاهی تنها از مفهوم «مشروع» استفاده می‌کند و گاهی اوقات نیز به سایر مفاهیم اشاره می‌نماید (حموری،<sup>۴</sup> ۲۰۲۳: ۱۴). در این بین، یکی از ابزارهای مشروع برای مقاومت در برابر یک قدرت اشغالگر غیرقانونی، مبارزه «مسلحانه» در راستای حق تعیین سرنوشت خویش است. «پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو»<sup>۵</sup> نیز، مشروعیت مقاومت مردم با تمام ابزارهای مشروعی که در اختیار دارند- از جمله مبارزه مسلحانه- را در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می‌شناسد. پاراگراف چهارم ماده ۱ این پروتکل مقرر می‌دارد: «وضعیت‌هایی که در پاراگراف قبلی به آن‌ها اشاره شده است، شامل درگیری‌های مسلحانه‌ای است که از طریق آن، مردم برای اعمال حق تعیین سرنوشت خود، علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانگان و همچنین، علیه رژیم‌های نژادپرست مبارزه می‌کنند؛ همان‌طور که در «منشور ملل متحد» و «اعلامیه روابط دوستانه» نیز تصریح شده است».<sup>۶</sup>

در این خصوص، مسئله‌ای که مطرح می‌شود، این است که آیا مبارزه مسلحانه باید به عنوان آخرین گزینه در مبارزه با اشغال مورد استفاده قرار گیرد یا اینکه از همان ابتدا و بدون بررسی سایر روش‌ها، مشروع و ممکن است؟ اهمیت این پرسش در این نکته نهفته است که برخی در چهارچوب اندیشه فلسفی حق مقاومت در برابر دولت ستمگر، بر این باورند که توسل به خشونت،

۱. همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره کرد، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌توانند نشان‌دهنده عرف بین‌المللی و اجماع حقوقی دولت‌ها در خصوص یک موضوع باشند (ICJ, 1996: Para.70).

۲. مجمع عمومی همچنین، در یکی از جدیدترین قطعنامه‌های خود، از دیوان بین‌المللی دادگستری خواسته است تا درباره «پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی» نظر مشورتی خود را ارائه دهد (UNGA, 2022).

3. UNGA, 1980

4. Hammouri

5. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (1977)

۶. باید در نظر داشت که پروتکل اول با اصرار برخی کشورها، در مقام تبیین نظام حقوقی قابل‌اعمال در مبارزات علیه اشغالگری تدوین شده است و نه به عنوان تعیین‌کننده ماهیت مخاصماتی مانند شورش علیه رژیم‌های فاقد مشروعیت؛ چرا که این‌گونه مخاصمات ماهیتاً از گونه مخاصمات داخلی محسوب می‌شوند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۹: ۵۰).

از جمله از طریق انقلاب و شورش، باید تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل برای دستیابی به حقوق بنیادین در نظر گرفته شود (اورتینسکا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۲۰۳۵). با وجود این، در برابر یک دولت اشغالگر، رعایت چنین ترتیبی ضرورت ندارد؛ زیرا نخست اینکه اسناد بین‌المللی مرتبط، به چنین ترتیبی اشاره نکرده‌اند، بلکه فقط به این نکته پرداخته‌اند که مبارزه مسلحانه یکی از شیوه‌های مقاومت است. دوم اینکه در برابر دشمن خارجی اشغالگر که با توسل به زور و قوای نظامی، اعمال حق مردم یک کشور بر تعیین سرنوشت خویش را به مخاطره انداخته است، توسل به قوه قهریه و روی آوردن به سلاح، واکنشی متناسب و متقابل محسوب می‌شود (مقامی، ۱۴۰۳/ب: ۲۱-۲۲).

### ۲-۳. عدم تکلیف ملت تحت سلطه بر وفاداری و اطاعت از دولت اشغالگر

ریچارد بکستر، قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری و استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه هاروارد، اجتناب‌ناپذیری مقاومت غیرنظامیان در برابر سلطه خارجی را در مواردی که چنین سلطه‌ای فاقد مبنای قانونی معتبر است، به رسمیت شناخت. او با اشاره به دو عنصر، به ویژه بودن این وضعیت تأکید کرد: نخست آنکه، غیرنظامیان وظیفه‌ای برای اطاعت از نیروهای اشغالگر ندارند. ماده ۶۷ مقررات لاهه، دادگاه‌های اشغالگر را موظف می‌کند تا «این واقعیت را در نظر بگیرند که متهم تبعه قدرت اشغالگر نیست». این ماده باید همراه با ماده ۶۸ خوانده شود که بیان می‌دارد: «مجازات اعدام را نمی‌توان علیه شخصی که تحت حمایت است، صادر کرد؛ مگر اینکه دادگاه به‌ویژه به این واقعیت توجه کند که متهم، به دلیل اینکه تبعه قدرت اشغالگر نیست، وظیفه‌ای برای وفاداری به آن ندارد.» این مواد به طور ضمنی مقاومت مردم در برابر اشغال را با تأیید اینکه هیچ فرضی یا الزامی برای وفاداری از سوی جمعیت اشغال شده وجود ندارد، توجیه می‌کنند. قابل توجه است که اسرائیل به‌طور مداوم فلسطینی‌ها را به دلیل عدم وفاداری به دولت اسرائیل و استفاده از حق مقاومت‌شان، به شدت مجازات می‌کند. در ثانی، با کستر اشاره می‌کند که تأکید حقوق اشغال باید بر «حمایت از تمامی ساکنان سرزمین‌های اشغالی، از جمله کسانی که رفتارشان به زیان اشغالگر است، در برابر شدت غیرموجه در قوانین اشغالگر» باشد. او تأیید این ویژگی خاص را بر اساس خوانش زمینه‌ای که به رابطه نامتقارن بین قدرت حاکم و مردم توجه می‌کند، استوار می‌داند (بکستر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۲۵۸-۲۵۹). بر این اساس، مجازات مردم به دلیل مقاومت در برابر اشغال، غیرمنطقی و ناعادلانه خواهد بود.

به‌طور مشابه، در قضیه هانس آلبین راوتر<sup>۳</sup>، دادگاه ویژه لاهه خاطر نشان کرد که «قدرت اشغالگر تنها یک اقتدار ظاهری - و نه مشروع - را اعمال می‌کند؛ به نحوی که مردم سرزمین اشغالی به‌طور کلی نه از نظر اخلاقی و نه از نظر حقوقی موظف به اطاعت از آن نیستند؛ از این رو، می‌توان

1. Ortynska
2. Baxter
3. Hans Albin Rauter

نتیجه گرفت که مقاومت در برابر دشمن در سرزمین اشغالی می‌تواند ابزاری مشروع باشد.<sup>۱</sup> به همین ترتیب، در قضیه اشغال نامیبیا توسط آفریقای جنوبی، مجمع عمومی در قطعنامه ۳۱۱۱، مشروعیت مبارزه آنها با تمامی ابزارها علیه اشغال غیرقانونی کشورشان توسط آفریقای جنوبی را مجدداً مورد تأیید قرار داد.<sup>۲</sup> در این میان، نماینده بریتانیا در کنفرانس لاهه، بر حق مردم کشورهای در معرض تهاجم برای انجام وظیفه خود مبنی بر ابراز مخالفت میهن پرستانه و شدید در برابر مداخله جویان با تمام ابزارهای مشروع، تأکید کرد (اسکات<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶: ۹۳). در کنفرانس منتهی به تصویب کنوانسیون‌های ژنو، نماینده دانمارک خواستار آن شد که گزارش رسمی کمیته ویژه دوم (که به موضوع وضعیت اسیران جنگی می‌پردازد) می‌بایست به این واقعیت اشاره نماید که ماده ۴ نباید به گونه‌ای تفسیر شود که افراد غیرمشمول این مقررات را از حق دفاع مشروع در برابر اعمال غیرقانونی سلب کند (پیکت<sup>۴</sup>، ۱۹۵۲: ۶۳). این امر به طور کلی نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی، با توجه به عدم تکلیف ملت تحت سلطه بر وفاداری و اطاعت از دولت اشغالگر، مقاومت مردم در برابر سلطه استعماری و اشغال بیگانگان را با هر ابزاری که در اختیار دارند، مشروع می‌داند و آن را بخشی جداناپذیر از حقوق بین‌الملل موضوعه قلمداد می‌کند.

### ۳. ادله منافات نداشتن مقاومت با منع توسل به زور

دلایل عدم مغایرت مقاومت با ممنوعیت استفاده از زور را می‌توان در قالب موضوعات زیر مطرح نمود: ۱- تصریح برخی اسناد بر مستثنی بودن «مردم» در ممنوعیت استفاده از زور؛ ۲- گنجاندن مقاومت در چهارچوب دفاع مشروع جمعی؛ ۳- تأکید رویه دولت‌ها بر مستثنی بودن «مردم» در ممنوعیت استفاده از زور. در ادامه، هر یک از این ادله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۳-۱. تصریح برخی اسناد بر مستثنی بودن «مردم» در ممنوعیت استفاده از زور

اگرچه منشور ملل متحد توسل به زور توسط مردم ذی‌ربط را به‌منظور تحقق حق تعیین سرنوشت، نه تجویز و نه منع کرده است، اما مذاقه در برخی اسناد بین‌المللی بیانگر آن است که ممنوعیت استفاده از زور شامل «مردم» نمی‌شود. «اعلامیه روابط دوستانه» تصریح می‌کند: «همه دولت‌ها موظفند از هرگونه اقدام توسل به زور که مردم را از حق آنها برای تعیین سرنوشت و آزادی و استقلال خود محروم می‌کند، خودداری نمایند. چنین مردمی، در مبارزه و مقاومت علیه این قبیل اقدامات قهری و در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش، از این حق برخوردارند که مطابق با اهداف و اصول منشور، درخواست حمایت نموده و حمایت دریافت کنند.<sup>۵</sup> همچنین، می‌توان از

1. Special Court at the Hague, 1949: Para.127

2. UNGA, 1973[A]: Para.1

3. Scott

4. Pictet

5. UNGA, 1970[C]

پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز مشروعیت توسل به زور مردم فلسطین علیه اسرائیل را استنباط کرد. با وجود این، ممکن است این پرسش مطرح شود که چگونه می‌توان درک این مقرر در پروتکل را به عنوان اقدامی در جهت مشروعیت بخشیدن به مقاومت در برابر سلطه و اشغال خارجی تلقی کرد، در حالی که در مقدمه سند تصریح شده است: «... هیچ یک از مواد این پروتکل یا کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که اعمال تجاوزکارانه یا هر شکل دیگر توسل به زور بر خلاف منشور ملل را مجاز بداند». برای پاسخ به این پرسش، لازم است با دقت بیشتری به مقدمه پروتکل توجه شود. قسمت انتهایی مقرر فوق، مشروعیت بخشیدن به استفاده از زوری را رد می‌کند که مغایر با منشور ملل متحد باشد و پاراگراف ۴ ماده ۱ پروتکل اول نیز به چنین مضمونی اشاره دارد؛ حال آنکه اساساً، توسل به زور در مسیر اعمال حق تعیین سرنوشت و مبارزه با اشغالگر، مغایرتی با آن ندارد؛ زیرا پاراگراف ۴ ماده ۲، استفاده از زور یا تهدید به آن را تنها در صورتی ممنوع دانسته است که با اصول و اهداف منشور در تضاد باشد؛ در حالی که ماده ۱ منشور، توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها بر مبنای احترام به حق تعیین سرنوشت (پاراگراف ۲) و نیز همکاری بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر بنیادین (پاراگراف ۳) - که حق تعیین سرنوشت از آن جمله است - را از جمله اهداف اصلی سازمان معرفی می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۲۴). برخی در رابطه با محتوای «اعلامیه روابط دوستانه»، بر این عقیده‌اند که منظور از «هرگونه اقدام توسل به زور» که بر اساس پاراگراف ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد ممنوع شده است، آن اقداماتی نیست که توسط مردم برای تعیین سرنوشت خود مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بلکه اقداماتی است که دولت‌های استعمارگر خارجی برای انکار حق تعیین سرنوشت آنها، به آن متوسل می‌شوند. لذا، بر اساس این اعلامیه، مبارزه مسلحانه در برابر انکار قهری حق تعیین سرنوشت خود - از طریق تحمیل یا حفظ استعمار یا تسلط خارجی با استفاده از زور - بر اساس منشور، مشروع است (ابی صعب<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹: ۳۷۱-۳۷۲). به نظر می‌رسد این دیدگاه بازتاب استدلال اوپنهایم است که یادآور شده است: «از آنجایی که حقوق بین‌الملل مقرراتی است که منحصرأ شامل دولت‌ها می‌شود، هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که افراد خصوصی را از دست بردن به سلاح و انجام عملیات خصمانه علیه دشمن منع کند (اوپنهایم<sup>۲</sup>، ۱۹۴۰: ۲۵۴).

### ۲-۳. گنجاندن مقاومت در چهارچوب دفاع مشروع جمعی

دفاع از خود، که در ادبیات ما با عنوان «دفاع مشروع» شناخته شده است، از دیرباز به عنوان یکی از حقوق طبیعی در روابط بین افراد، اقوام، گروه‌ها و ملت‌ها شناخته شده است. منشور ملل متحد نیز

1. Abi-Saab  
2. Oppenheim



این حق ذاتی را به رسمیت شناخته و استفاده از زور را برای دفاع فردی یا جمعی در میان دولت‌ها مجاز شمرده و آن را به عنوان استثنایی بر اصل منع توسل به زور در نظر گرفته است (فضائلی، ۱۳۹۵: ۵۰-۵۵). در این راستا، مقاومت در برابر اشغال غیرقانونی - با تمام ابزارهای مشروع موجود از جمله مبارزه مسلحانه - نیز جلوه‌ای از حق دفاع مشروع جمعی بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد است که بیان می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه<sup>۱</sup> علیه یکی از دولت‌های عضو سازمان ملل<sup>۲</sup>، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را اتخاذ نکند، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی خدشه وارد نمی‌آورد». انتخاب این عبارات نشان می‌دهد که چنین دفاع مشروعی الزاماً نباید از طریق سازوکار یک دولت انجام شود، بلکه می‌تواند توسط افراد و گروه‌هایی که تحت تأثیر تجاوز در یک دولت عضو قرار گرفته‌اند، صورت گیرد (حموری<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳: ۲۰). علاوه بر این، لازم به ذکر است که اگرچه قاعده دفاع مشروع بیان می‌کند که برای استفاده از این حق در مقابل یک دولت متجاوز، رعایت شرایط خاصی از جمله مشخص بودن تجاوز، ضرورت و تناسب اقدام متقابل علیه دولت متجاوز، سازگاری دفاع با اصول بین‌المللی و نیز رعایت مؤلفه‌های سرعت و فوریت در پاسخ به تجاوز ضروری است، اما در صورتی که اقدامات دولت متجاوز ادامه پیدا کند، دولت یا گروهی که سرزمین، مردم و جانشان مورد تجاوز قرار گرفته و در معرض خطر است، می‌تواند با توسل به هر ابزار و وسیله‌ای، از منافع حیاتی خویش دفاع کرده و حملات مسلحانه‌ای را ترتیب بدهند (اسماعیلی و علیزاده، ۱۴۰۳: ۳۰۶).

پیش‌نویس «اعلامیه روابط دوستانه» نشان می‌دهد که مطابق نظر برخی کشورهای، مبنای قانونی اعمال قهری تعیین سرنوشت خویش در برابر سلطه خارجی، «حق دفاع از خود (دفاع مشروع)» بوده است. بین سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۷۰، این موضوع به‌طور جدی در کمیته ششم مورد بحث قرار گرفت؛ به‌عنوان مثال، در شصت و پنجمین جلسه این کمیته، یوگسلاوی بر این عقیده بود که: «حق دفاع مشروع مردم تحت سلطه استعمار به‌عنوان قاعده‌ای جهانی و مطلق، استثنایی بر ممنوعیت استفاده از زور است. این استثنا تنها در مواردی اعمال می‌شود که اقدامات سرکوبگرانه توسط یک قدرت استعماری علیه مردمی که خواهان تعیین سرنوشت خود هستند، انجام شود». <sup>۴</sup> بر این اساس، می‌توان اذعان نمود که از نظر حقوقی، در مورد مشروعیت مبارزه ملت‌ها تردیدی وجود ندارد؛

### 1. Armed Attack (Agression Armée)

۲. در نوامبر ۲۰۱۲، مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۳۸ رأی موافق، ۹ رأی موافق و ۴۱ رأی ممتنع، تصمیم گرفت که به فلسطین، وضعیت ناظر غیرعضو در سازمان ملل اعطا کند (UNGA, 2012: Para.3). در تاریخ ۹ می ۲۰۲۴، مجمع عمومی قطعنامه‌ای تحت‌عنوان «پذیرش اعضای جدید در سازمان ملل» را تصویب کرد که بر اساس آن، حقوق کشور فلسطین در سازمان ملل از ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ به‌عنوان یک کشور ناظر ارتقاء می‌یابد و بدین ترتیب، مجمع عمومی بحث عضویت کشور فلسطین در سازمان ملل را برای همیشه به پایان رساند و دولت فلسطین واجد شرایط عضویت کامل در سازمان ملل متحد مطابق با ماده ۴ منشور ملل متحد شناخته شد (UNGA, 2024).

### 3. Hammouri

4. Special Committee on Principles of International Law, 1967: Para.14

زیرا از حق دفاع مشروعی ناشی می‌شود که حق ذاتی بشر بوده و در ماده ۵۱ منشور ملل متحد مورد تأیید قرار گرفته است.

### ۳-۳. تأکید رویه دولت‌ها بر مستثنی بودن «مردم» در ممنوعیت استفاده از زور

مبارزه مردم فلسطین در جهت دستیابی به حق تعیین سرنوشت در سرزمین‌های اشغالی، کاملاً مشروع و مطابق با موازین بین‌المللی است و برعکس، این اسرائیل است که با اقدامات خود، این حق را کاملاً نقض کرده است. به این ترتیب، مردم فلسطین اگر نتوانند حق خود را به صورت مسالمت‌آمیز به دست آورند، مبارزه‌شان حتی با توسل به زور مشروع است و می‌توان معتقد بود که این امر بر اساس مفاهیمی چون استعمارزدایی و مبارزه در این راه توجیه می‌شود. اگرچه در منشور ملل متحد، صراحتاً هیچ حق مناسبی برای توسل به زور به مردم اعطا نشده است، اما دولت‌ها تدریجاً این دیدگاه را پذیرفتند که توسل به زور توسط مردم، تحت شرایطی در مغایرت با قاعده منع توسل به زور نیست. در واقع، رویه دولت‌ها، مشروعیت مقاومت از سوی مردم و استفاده از زور را در برابر سلطه خارجی که فاقد مبنای قانونی معتبر است، تأیید می‌کند. این امر در واکنش دولت‌ها به اشغال کشورهای بالتیک توسط شوروی (۱۹۴۴-۱۹۵۶) که عمدتاً غیرقانونی تلقی می‌شد، مشهود است. پارلمان اروپا، مقاومت طولانی هشت‌ساله و مبارزه مسلحانه استونیایی‌ها، لتونیایی‌ها و لیتوانیایی‌ها را که برای آزادی خود می‌جنگند، به رسمیت شناخت.<sup>۱</sup> به همین ترتیب، دولت لهستان هر ساله در ۱۹ آوریل، قیام گتوی ورشو<sup>۲</sup> را گرامی می‌دارد؛ جایی که جامعه یهودی به صورت جمعی در برابر نیروهای اشغالگر آلمان در لهستان مقاومت کردند.<sup>۳</sup> بر این اساس، تمام شواهد تاریخی به‌طور قاطع، استفاده از زور را برای مواجهه با اشغال و دستیابی به تعیین سرنوشت تأیید می‌کنند و عدم به رسمیت شناختن جنبش‌های مقاومت یا تغییر ماهیت مشروع آنان به صورت یک‌جانبه توسط محدود دولت‌ها، هیچ‌گونه جوازی در حمله به آنان یا نهدی مبارزات آزادی‌بخش مردم محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب، در حال حاضر، کمتر کسی در باب حق مردم سرزمین فلسطین برای تعیین سرنوشت و قانونی بودن مبارزه مسلحانه با اسرائیل تردید دارد.

به رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت توسط «اعلامیه روابط دوستانه»، در بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد تأیید شد؛ که بر اساس آن، کشورهای عضو، مشروعیت مبارزه مردم سرزمین‌های استعماری برای آزادی خود با تمام ابزارها و وسایلی که در اختیار دارند را به رسمیت شناختند و تأکید کردند که این کشورها و ملت‌ها در راستای مبارزه خود، حق دارند برای دریافت هرگونه کمک مادی و معنوی لازم، مطابق

1. European Parliament Document, 1983: Paras.432-433

2. Warschauer Ghetto

3. Committee on the Elimination of Racial Discrimination, 2019: Para.2

با اهداف و اصول منشور ملل متحد اقدام کنند.<sup>۱</sup> چنین تأکیدی نشان‌دهنده توسعه مستمر نظریه حقوقی عمومی<sup>۲</sup> در حقوق بین‌الملل عرفی هستند. اهمیت این تحول نباید دست کم گرفته شود، زیرا نشان‌دهنده موضع دولت‌ها و مردمی است که جایگاه حقوقی آنها در اکثریت تاریخ حقوق بین‌الملل نادیده گرفته شده است (حموری<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳: ۲۲).

#### ۴. آثار قانونی به رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت مردم فلسطین

پذیرش و به رسمیت شناخته شدن مشروعیت مقاومت مردم فلسطین از سوی حقوق بین‌الملل، آثاری را به دنبال دارد که این آثار سبب ایجاد وظایف و تعهداتی در خصوص این موضوع برای اسرائیل و دولت‌های ثالث می‌شود. در ادامه، این آثار به صورت تفکیکی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

#### ۴-۱. آثار مرتبط با دولت اسرائیل

اشغال اراضی فلسطین توسط اسرائیل که قریب به شصت سال طول کشیده است و طولانی‌ترین اشغال نظامی تاریخ محسوب می‌شود، مجمع عمومی را بر آن داشت تا در حمایت از حقوق ملت فلسطین، قطعنامه‌های متعددی صادر نماید. این قطعنامه‌ها، علاوه بر محکومیت اسرائیل به خاطر اشغال سرزمین فلسطین، متضمن آثار و تعهداتی برای اسرائیل است؛ که از جمله آن می‌توان از «عدم سرکوب یا آزار و اذیت فلسطینی‌ها از سوی اسرائیل»، «عدم قابلیت استناد اسرائیل به دفاع مشروع»، «عدم تغییر ترکیب جمعیتی و وضعیت سرزمین فلسطین» و «ترک سرزمین اشغال شده از سوی اسرائیل» نام برد.

#### ۴-۱-۱. عدم سرکوب یا آزار و اذیت فلسطینی‌ها از سوی اسرائیل

اسرائیل با این ادعا که قواعد حقوق بشر در زمان صلح و تنها به منظور حمایت از حقوق شهروندان در برابر دولت‌های متبوعشان قابلیت اجرا دارند، خود را ملزم به رعایت این قواعد در رفتار با فلسطینیان نمی‌داند و مدعی است که اقداماتش در سرزمین‌های اشغالی نباید با معیارهای حقوق بشر سنجیده شود. در این راستا، اسرائیل در گزارش‌های ارائه شده به کمیته حقوق بشر، از این موضع دفاع کرده و تصریح نموده است که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد مرتبط با حقوق بشر، در وضعیت‌های حاکم بر سرزمین‌های اشغالی به طور مستقیم قابل اعمال نمی‌باشند (حیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۲)؛ اما واقعیت این است که به رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت مردم فلسطین با تمام ابزارهای موجود، این وظیفه را بر دولت اسرائیل تحمیل می‌کند که نباید تجلی قانونی حق تعیین سرنوشت را سرکوب کند و فلسطینی‌ها را به خاطر اعمال این حق، از طریق

1. UNGA, 1970[B].

2. Opinio Iuris Communis

3. Hammouri

کشتار غیرقانونی<sup>۱</sup>، شکنجه، زندان، اخراج یا انتقال اجباری یا مجازات‌های دسته‌جمعی و سایر روش‌ها - که از مصادیق جنایت علیه بشریت شمرده می‌شوند (سلیمی و کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۲۲) - مورد آزار و اذیت قرار دهد. هرگونه اقدام در راستای مقاومت از جمله اعتصاب، تظاهرات مسالمت‌آمیز و مبارزه مسلحانه، باید با لحاظ چهارچوب حق تعیین سرنوشت و در دادگاهی که به اصل حاکمیت قانون پایبند است، مورد ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس، قدرت اشغالگر از آزار و اذیت اتباع دولت اشغال‌شده به دلیل صرف مقاومت یا عدم وفاداری منع شده است.<sup>۲</sup> در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تعریف تجاوز، کشورهای عضو بر وظیفه دولت‌ها برای عدم استفاده از نیروی مسلح جهت سلب حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال ملت‌ها یا برهم‌زدن تمامیت ارضی تأکید کردند. علاوه بر این، در «اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار» اشاره شد که تمامی اقدامات مسلحانه یا اقدامات سرکوبگرانه از هر نوع که علیه مردم تحت سلطه انجام می‌شود، باید متوقف گردد تا آنها بتوانند حق کامل خود برای استقلال را به‌طور مسالمت‌آمیز و آزادانه اعمال کنند و تمامیت ارضی ملی آنها مورد احترام قرار گیرد.<sup>۳</sup> به همین ترتیب، اعلامیه سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی در مورد تقویت امنیت بین‌المللی، از تمام دولت‌ها خواست تا از هرگونه اقدام قهری یا دیگر اقداماتی که ملت‌ها - به‌ویژه کسانی که هنوز تحت استعمار یا هر شکل دیگری از سلطه خارجی قرار دارند - را از حق مسلم‌شان برای تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال محروم می‌کند، دست بکشند و از اقدامات نظامی و سرکوبگرانه‌ای که با هدف ممانعت از دستیابی مردم تحت سلطه به استقلال انجام می‌شود، دوری کنند.<sup>۴</sup>

از آغاز وقایع هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون نیز تحركات زیادی در مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل صورت گرفته است. در این راستا، اعضای سازمان ملل در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ طی رأی‌گیری در مجمع عمومی، به قطعنامه‌ای غیرالزام‌آور برای برقراری آتش‌بس فوری در نوار غزه رأی دادند و از رژیم صهیونیستی خواستند فوراً حملات به نوار غزه را پایان دهد. این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل از زمان آغاز حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه از تاریخ هفتم اکتبر تاکنون، در جلسات متعددی که داشته است، با کارشکنی آمریکا نتوانست قطعنامه‌ای الزام‌آور برای برقراری آتش‌بس در این منطقه تصویب کند. در این بین، دیوان بین‌المللی

۱. در دهه‌های گذشته، گزارش‌های مربوط به کشتار غیرقانونی مردم غزه توسط اسرائیل، به‌طور مستمر از سوی مقامات سازمان ملل گزارش شده است. به گزارش مرکز حقوق بشر المیزان (سازمان غیردولتی مستقر در اردوگاه آوارگان فلسطینی جبلیا در نوار غزه)، نیروهای مسلح اسرائیل طی ۱۳ سال (۲۰۲۱-۲۰۰۸) به‌طور مستقیم حدود ۵۲۰۱ فلسطینی از جمله ۱۲۰۸ کودک را در نوار غزه شهید کرده‌اند (Al Mezan, 2021). این در حالی است که پس از عملیات «طوفان الاقصی» و بمباران غزه از سوی اسرائیل، طی کمتر از شش ماه (۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۴) حدود ۳۴۳۰۵ نفر - از جمله ۱۳۸۰۰ کودک - شهید شدند (Adler and Others, 2024).

2. Hague Regulations Respecting the Laws and Customs of War on Land (1907), Article 45

3. UNGA, 1960: Para.4

4. UNGA, 1970[A]: Para.18

دادگستری نیز در حکمی جدید، به اسرائیل دستور داد تا حملات خود را به رفح غزه متوقف کند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱-۲. عدم قابلیت استناد اسرائیل به دفاع مشروع

ثابت شده است که اسرائیل به طور حساب شده، از وظیفه خود مبنی بر احترام به تجلی حق تعیین سرنوشت توسط ملت فلسطین تخطی کرده و در جایی که ابراز حق تعیین سرنوشت منجر به تشدید اقدامات مقاومتی از سوی مردم فلسطین شد، به سرکوب نظامی متوسل گردیده است. نمونه‌های برجسته در این خصوص عبارتند از: سرکوب خشونت‌آمیز انتفاضه اول [۱۹۹۳-۱۹۸۷]، انتفاضه دوم [۲۰۰۵-۲۰۰۰]، راهپیمایی بازگشت بزرگ در غزه [۲۰۱۹-۲۰۱۸]، قیام‌های ماه می ۲۰۲۱ و اخیراً، طوفان الاقصی. سایر اشکال سرکوب نیز شامل اقدامات تلافی‌جویانه غیرقانونی مانند آوارگی اجباری و زندانی کردن بوده است (حموری<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳: ۳۰-۳۱). در این راستا، ناگفته پیداست که حق دفاع مشروع را نمی‌توان در زمینه یک اشغال غیرقانونی علیه مقاومت مشروع ملت‌ها در ابراز تعیین سرنوشت خود، مورد استناد قرار داد؛ زیرا حق بر مقاومت، و رای حق دفاع مشروع است. به بیان دیگر، حق مقاومت وابسته به عنصر «ضرورت» و رعایت «تناسب» نیست و دائمی می‌باشد. این موضع توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی دیوار تأیید شده است که اعلام کرد: «دیوان همچنین، خاطر نشان می‌کند که ماده ۵۱ منشور، حق دفاع مشروع را در صورت حمله مسلحانه یک کشور علیه کشور دیگر به رسمیت می‌شناسد. این در حالی است که اسرائیل کنترل سرزمین‌های اشغالی فلسطین را در اختیار دارد و همان‌طور که خود اسرائیل اظهار می‌دارد، تهدید توجیه‌کننده ساخت دیوار و اعمال حق دفاع مشروع، از داخل آن سرزمین نشأت می‌گیرد و نه از خارج از آن»<sup>۳</sup>. بدین ترتیب، زمانی که تهدید از داخل سرزمین اشغالی نشأت می‌گیرد، به هیچ‌وجه نمی‌توان به ماده ۵۱ منشور استناد کرد.

ممکن است ادعا شود که اسرائیل پس از عقب‌نشینی نظامی از غزه در سپتامبر ۲۰۰۵، دیگر کنترل مؤثری بر این منطقه نداشته و نمی‌توان آن را به عنوان یک قدرت اشغالگر محسوب کرد. به همین دلیل، فلسطینیان و حماس نمی‌توانند مخاصمه با اسرائیل را به عنوان مقابله با اشغال خارجی و در چهارچوب حقوق بین‌الملل توجیه کنند. بنابراین، توسل به زور علیه غزه، به عنوان تجاوز به حق تعیین سرنوشت فلسطینیان محسوب نمی‌شود. در پاسخ باید گفت که از سال ۱۹۶۷ تاکنون، فلسطینیان در کرانه باختری و غزه به طور مداوم تحت اشغال اسرائیل زندگی می‌کنند و با عقب‌نشینی نظامی محدود و موقت اسرائیل، ماهیت اشغال تغییر نکرده است. در واقع، شیوه‌های اشغال در طول زمان تغییر کرده است و کنترل گسترده اسرائیل بر آنچه در کرانه باختری و غزه رخ

1. Aljazeera, 2024

2. Hammouri

3. ICJ, 2004: Para.139



می‌دهد، همواره ادامه داشته است. باید پذیرفت که حضور فیزیکی نیروهای دائمی در سرزمین‌های اشغالی تنها معیار برای تعیین کنترل مؤثر نیست، بلکه تا زمانی که اشغالگر توانایی اعمال چنین کنترلی را به واسطه اقداماتی مانند کنترل حریم هوایی و محاصره دریایی غزه داشته باشد، حضور فیزیکی سرباز و نظامیان نیاز نیست. بنابراین، اسرائیل تا قبل از اتفاقات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، به‌عنوان قدرت اشغالگر در غزه شناخته می‌شد و نسبت به روزهای بعد از ۱۷ اکتبر نیز اشغال نظامی غزه به واسطه تهاجم نظامی به این باریکه و استقرار نیروی نظامی، مشهود و مسجل است. با این توضیحات، توجیه توسل به زور در قالب دفاع مشروع از سوی اسرائیل پذیرفتنی نیست (محمدی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۲۸ و ۱۲۹). همچنین، شاید گفته شود که شناسایی حق مقاومت در برابر اشغال به‌عنوان شکلی از حق تعیین سرنوشت، ممکن است در تعارض با تکلیف دولت اشغالگر برای تأمین امنیت مناطق اشغالی قرار گیرد. در پاسخ باید گفت که دولت اشغالگر برای اعمال اقتدار خود، از جاهت و مشروعیت حاکمیت دولت تحت اشغال برخوردار نیست و اشغال نیز موجب انتقال حاکمیت به وی نمی‌شود. علاوه بر این، از آنجا که مردم سرزمین اشغالی تبعه دولت اشغالگر نیستند، نباید از آنها انتظار وفاداری داشت (ساعد، ۱۳۹۳: ۶۲). بنابراین، باید گفت از آنجا که حق مقاومت ذاتی بوده و به هیچ حق دیگری وابسته نیست و در واقع، ضمانتی برای قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام (حق تعیین سرنوشت) تلقی می‌شود و همچنین، با در نظر گرفتن اینکه تکالیف دولت اشغالگر ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی (اشغالگری) است، در نتیجه، حق مقاومت همچنان از اولویت برخوردار خواهد بود (مقامی، ۱۴۰۳/ب: ۲۱).

#### ۴-۱-۳. عدم تغییر ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت سرزمین فلسطین

اسرائیل از سال ۱۹۶۷ تا به امروز، سیاست بی‌خانمان کردن و سلب مالکیت فلسطینی‌ها را از طریق انکار سکونت، بازگشت به سرزمین و درعین حال، تشویق و حمایت از اسکان یهودیان، حفظ کرده است. همان‌طور که «کمیته اجرای حقوق مسلم مردم فلسطین» اشاره کرد، مبنای این سیاست، قصد تغییر دائمی ساختار جمعیتی سرزمین‌های اشغالی فلسطین است.<sup>۱</sup> شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۲۳۳۴ (۲۰۱۶) خاطر نشان می‌کند: «تمامی اقداماتی که با هدف تغییر ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت قلمرو فلسطین اشغالی صورت گرفته است، از جمله ساخت و ساز و توسعه شهرک‌ها، انتقال شهرک‌نشینان اسرائیلی، مصادره زمین، تخریب منازل و آواره کردن غیرنظامیان فلسطینی، نقض قوانین بشردوستانه بین‌المللی و قطعنامه‌های مربوطه است». این بخش از قطعنامه، اقدامات مختلف اسرائیل از جمله ایجاد و گسترش شهرک‌ها در بیت المقدس شرقی و کرانه باختری را شامل می‌شود. همچنین، به ساخت دیوار یا حصار امنیتی نیز اشاره دارد که دبیرکل سازمان ملل آن را عاملی برای تغییر مرزهای تعیین شده می‌داند؛ زیرا در برخی مناطق

1. Committee on the Exercise of the Inalienable Rights of the Palestinian People, 1981

بیش از ۷,۵ کیلومتر از این خط منحرف شده تا شهرک های اسرائیلی را در بر گیرد؛ در حالی که مناطق مسکونی فلسطینیان را در محاصره قرار می دهد.<sup>۱</sup> بر این اساس، موضوع «شهرک ها» و «دیوار» به عنوان مبنایی برای ارزیابی اقدامات خاصی که بر ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت قلمرو فلسطین تأثیر می گذارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. دیوان بین المللی دادگستری در نظر مشورتی خود، شهرک سازی ها را ناقض بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو دانست؛ که تصریح می کند: «دولت اشغالگر نباید بخش هایی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین اشغالی منتقل کند». دیوان اعلام کرد که این ماده، نه تنها اخراج یا انتقال اجباری جمعیت - مانند آنچه در طول جنگ جهانی دوم انجام شد - را ممنوع می کند، بلکه هرگونه اقدامی را که قدرت اشغالگر برای سازماندهی یا تشویق انتقال بخش هایی از جمعیت خود به سرزمین اشغالی انجام دهد، ممنوع می سازد. علاوه بر این، این مرجع به ارتباط شهرک سازی ها و دیوار با حق تعیین سرنوشت نیز پرداخت و اعلام کرد: «ساخت دیوار و سازوکارهای مرتبط با آن، واقعیتهای انجام شده بر روی زمین ایجاد می کند که ممکن است دائمی شود. در چنین صورتی و بدون در نظر گرفتن توصیف رسمی دیوار توسط اسرائیل، این اقدام در حکم الحاق عملی خواهد بود و نقض حق تعیین سرنوشت محسوب می شود». دیوان همچنین تأکید می کند که: «شیوه و مسیر انتخاب شده برای ساخت دیوار بیانگر اقدامات غیرقانونی اسرائیل در رابطه با بیت المقدس و شهرک هاست که این اقدامات از سوی شورای امنیت محکوم شده است. همچنین، خطر تغییرات بیشتر در ترکیب جمعیتی سرزمین فلسطین اشغالی وجود دارد؛ زیرا ساخت دیوار به خروج جمعیت فلسطینی از مناطقی خاص منجر خواهد شد. بنابراین، این شیوه احداث دیوار همراه با سایر اقدامات، به شدت اجرای حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را مختل کرده و بنابراین، اسرائیل را در نقض این حق مسئول می داند.<sup>۲</sup>

در راستای تحلیل نظریه مشورتی دیوان، باید گفت که در فقدان یک حکم قاطع مبنی بر اینکه آیا تاکنون الحاق در سرزمین های اشغالی رخ داده است یا خیر، می توان نتایج نقض حق تعیین سرنوشت را ناشی از اقداماتی دانست که از انتخاب های موجود برای مردم فلسطین در پایان اشغال، جلوگیری می کند. شاخص های آماری و جمعیت شناسی سرزمین فلسطین نشان می دهد که شهرک سازی ها باعث تغییر جمعیت سرزمین اشغالی شده و این تغییرات احتمالاً ادامه خواهند داشت؛ به گونه ای که ترکیب جمعیتی، دیگر همانند ابتدای اشغال نخواهد بود. ضمن اینکه وجود شهرک ها مانع از اجرای حق تعیین سرنوشت می شود، زیرا به صورت بالقوه قادر است زمین و سایر منابع را از دسترس فلسطینیان خارج کند. ساخت دیوار این روند را تشدید کرده و شرایطی را ایجاد کرده است که به خروج بیشتر فلسطینیان از سرزمین شان منجر شده و تسلط اسرائیل بر این اراضی را تقویت می کند. رویکرد دیوان بین المللی دادگستری این استدلال را برجسته می کند که

1. UNGA, 2003: Para.7

2. ICJ, 2004: Paras.120-121

اسرائیل، به‌عنوان نیروی اشغالگر، موظف است از اقداماتی که به‌طور بالفعل یا بالقوه فرآیند تعیین سرنوشت را پیشاپیش محدود می‌کنند، خودداری کند. این استدلال در رابطه با اقدامات خاصی که به منابع موجود در سرزمین اشغالی مربوط می‌شوند نیز قابل توجه است.

#### ۴-۱-۴. پایان اشغال و ترک سرزمین اشغال شده از سوی اسرائیل

حق بر مقاومت به‌عنوان ابزار تحقق حق تعیین سرنوشت مستلزم پایان دادن به یک اشغال است و این امر معمولاً، نیازمند خروج اشغالگر از سرزمین‌های اشغالی می‌باشد. در سال ۱۹۹۳، اسرائیل و فلسطین از طریق «بیانیه اعلام اصول اولویت‌های موقت دولت خودگردان»<sup>۱</sup> بر سر یک حل و فصل موقت به توافق رسیدند که به «پیمان اسلو» معروف شد. این توافق به خودمختاری محدودی برای یک دوره انتقالی پنج ساله اختصاص داشت که هدف آن، ادامه مذاکرات برای دستیابی به یک راه‌حل نهایی بود. بیانیه تصریح می‌کرد که بخشی از اختیارات به سرعت به یک سازمان موقت خودگردان فلسطینی منتقل شود. این نهاد قرار بود با تأیید اسرائیل توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) تشکیل شود و به مرور زمان، اختیارات بیشتری به شورای منتخب فلسطینی واگذار گردد؛ فرآیندی که در توافقات بعدی نیز در نظر گرفته شده است. با این حال، اسرائیل همچنان به‌عنوان خواستگاه تمام اختیارات و مسئولیت‌ها باقی ماند و در همه حوزه‌هایی که چنین انتقالی صورت نگرفته بود، قدرت‌های موجود را حفظ نمود. بر اساس این رویکرد، چنین قلمرویی همچنان اشغال شده محسوب می‌شود و کاملاً، تابع قواعد حقوق اشغال است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در این خصوص، چنین موضعی اتخاذ نموده است (اسکوبی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۲۸۰، ۲۹۸). این فرایند اخیراً، توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل به‌عنوان یک «فرایند بی‌روح» توصیف شده است.<sup>۳</sup>

در سپتامبر ۲۰۰۵، آریل شارون،<sup>۴</sup> نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل، مدعی شد که خروج اسرائیل از شهرک‌ها و تخلیه تأسیسات نظامی خود در نوار غزه به معنای پایان کنترل و مسئولیت اسرائیل بر نوار غزه است. با این حال، برخلاف ادعای شارون، اسرائیل همچنان به اشکال مختلف، کنترل خود را بر این منطقه حفظ کرده است. سازمان غیردولتی اسرائیلی به نام «گیشا» در گزارشی از سال ۲۰۰۷، که همچنان معتبر است، این اشکال کنترل را شناسایی و توصیف کرده است: کنترل قابل توجه بر گذرگاه‌های مرزی غزه؛ کنترل زمینی از طریق حملات و حضور پراکنده نیروهای زمینی (منطقه ممنوعه)<sup>۵</sup>؛ کنترل کامل بر حریم هوایی غزه؛ کنترل کامل بر آب‌های سرزمینی غزه؛ کنترل بر ثبت جمعیت فلسطینی (از جمله اینکه

1. Declaration of Principles on Interim Self-Government Arrangements (1993)

2. Scobbie

3. UNGA, 2018: Para.47

4. Ariel Sharon

5. no-go zone

چه کسی ساکن غزه است؟ کنترل بر سیاست‌های مالیاتی و انتقال درآمدهای مالیاتی؛ کنترل بر کرانه باختری که به همراه غزه، یک واحد سرزمینی واحد تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup> ادامه کنترل اسرائیل بر این منطقه باعث ایجاد بحث‌هایی شده است که آیا حقوق اشغال همچنان قابل اعمال است یا خیر. اسرائیل در برابر دیوان عالی دادگستری خود<sup>۲</sup> استدلال کرد که حقوق اشغال دیگر قابل اعمال نیست؛ با این حال، دیوان عالی این استدلال را نپذیرفته و برخی از تعهدات اشغالگر را همچنان معتبر دانسته است (گروس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷: ۲۱۶-۲۱۷).

با کاهش دخالت اسرائیل در سرزمین فلسطین، ممکن است استدلال شود که اسرائیل فضایی خودمختار برای تصمیم‌گیری توسط مردم فلسطین ایجاد کرده است و به این ترتیب، سطح نقض حق تعیین سرنوشت فلسطینیان کاهش یافته است. با این حال، می‌توان راستی‌آزمایی وجود فضای خودمختاری که حاصل جدایی نسبی اسرائیل است را مورد بررسی قرار داد. در این راستا، اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسد خودمختاری بیشتری وجود دارد، اما باید توجه داشت که شرایط نوار غزه به تداوم کنترل از سوی اسرائیل مرتبط است و اگر اسرائیل همچنان سطح کنترل خود را رعایت نکند، بر تصمیمات حکومتی مقامات فلسطینی در غزه تأثیر می‌گذارد.<sup>۴</sup>

در مجموع، در رابطه با هر چهار آثار مرتبط با دولت اسرائیل می‌توان گفت که هدف اصلی از این تعهدات، مشروع‌نندادن اقدامات اسرائیل است که با تخطی از مقررات آمره حقوق بین‌الملل همچون «منع توسل به زور»، کنترل فلسطین را در اختیار گرفته است.

#### ۴-۲. آثار مرتبط با دولت‌های ثالث

حق مقاومت مردم فلسطین در راستای تعیین سرنوشت خود، امروزه از چنان مرتبه‌ای در حقوق بین‌الملل برخوردار است که در زمره «قواعد آمره»<sup>۵</sup> قرار گرفته و از مصادیق بارز «تعهدات عام‌الشمول»<sup>۶</sup> محسوب می‌شود؛ به طوری که پیامد و مسئولیت نقض آن، دامن‌گیر همه دولت‌ها خواهد شد و این مهم در ماده ۴۱ «پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»<sup>۷</sup> نیز نمود یافته است. در این خصوص، مجمع عمومی علاوه بر اینکه به مبارزه ملل تحت سلطه استعمار و بیگانگان برای احقاق حق تعیین سرنوشت و به هر طریق ممکن، مشروعیت بخشیده است، تلاش کرده است که

1. Gisha, 2007: 10

2. High Court of Justice

3. Gross

4. The World Bank, 2018

۵. منظور از «قواعد آمره» (Jus cogens)، قاعده‌ای است بنیادین، آمرانه و تخلف‌ناپذیر که در بالاترین جایگاه در میان سلسله‌مراتب منابع حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. ضمانت‌اجرای این جایگاه رفیع، شناسایی «مسئولیت» بین‌المللی در صورت نقض آن حسب ماده ۴۰ «پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» است (کدخدایی و جلیلی، ۱۴۰۳: ۴).

۶ «تعهدات عام‌الشمول» (Erga omnes) به آن دسته از تعهداتی اطلاق می‌شود که تمامی دولت‌ها در حفظ و حمایت از آنها نفع حقوقی دارند و نقض چنین تعهداتی به‌طور مستقیم بر تمام دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. لذا، این تعهدات ماهیت جهانی دارند و به کل جامعه بین‌المللی تعلق می‌گیرند. بنابراین، نمی‌توان آنها را صرفاً به روابط دوجانبه بین دولت‌ها محدود ساخت (مؤدیان، ۱۴۰۲: ۶۵).

7. Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001)

دو ایده مهم و اساسی را در بین دولت‌های ثالث ترویج نماید: ۱- نامشروع دانستن وضعیت ناشی از نقض یک قاعده آمره و عدم مساعدت در حفظ آن؛ ۲- حمایت از مقاومت ملت فلسطین در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش.

#### ۴-۲-۱. نامشروع دانستن وضعیت ناشی از نقض یک قاعده آمره و عدم مساعدت در حفظ آن

اصول و قواعد حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند هنگامی که کشورها با وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض یک قاعده آمره مواجه شوند، می‌بایست آن را نامشروع تلقی کرده و در حفظ و استقرار آن مساعدت نکنند. به نظر می‌رسد که غایت چنین مقرراتی، جلوگیری از تقویت و عدم به رسمیت شناختن مقاماتی است که به طور غیرقانونی، کنترل یک منطقه را با نادیده گرفتن مقررات آمره حقوق بین‌الملل، در دست گرفته‌اند (ممتاز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۶). در این راستا، مجمع عمومی از همه کشورها خواست که هیچ‌گونه تغییری را در سرزمین‌های اشغالی از سوی اسرائیل به رسمیت نشناسند و از انجام اقداماتی که ممکن است اسرائیل را در پیشبرد تجاوز، اشغالگری و بی‌توجهی به تعهداتش طبق منشور سازمان ملل یاری کند - از جمله ارائه کمک نظامی، اقتصادی یا سیاسی - خودداری نمایند.<sup>۱</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی خود درباره ساخت دیوار حائل از سوی اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی<sup>۲</sup>، اعلام کرد که با توجه به ماهیت و اهمیت حقوق و تعهدات نقض شده، همه کشورها موظف‌اند وضعیت غیرقانونی ناشی از اقدامات دولت اشغالگر را به رسمیت نشناسند و از ارائه هرگونه کمک یا مساعدتی که به حفظ این وضعیت منجر شود، خودداری کنند. دیوان همچنین تأکید کرد که تمامی کشورهای عضو کنوانسیون‌های ژنو باید اسرائیل را ملزم به رعایت مفاد بشر دوستانه مندرج در این کنوانسیون‌ها کنند و برای پایان دادن به نقض حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، تلاش نمایند.<sup>۳</sup> این امر مستلزم عدم پذیرش سیاست‌های نژادپرستانه‌ای است که توسط دولت اشغالگر برای غیرقانونی جلوه دادن ادعای ملت‌ها مبنی بر تعیین سرنوشت خویش، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. یکی از این قبیل سوءاستفاده‌ها، از طریق تصویب تعریف یهودستیزی توسط «اتحادیه بین‌المللی یادبود هولوکاست»<sup>۴</sup> صورت گرفته است؛ که مفهوم یهودستیزی را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که هرگونه انتقاد از دولت اسرائیل را در برمی‌گیرد. همان‌طور که گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص روش‌های معاصر نژادپرستی تأکید کرده است، این تعریف به‌طور نادرست به‌عنوان ابزاری برای آزار و اذیت فلسطینی‌ها به

1. UNGA, 1980: Para.12

۲. برای مطالعه بیشتر در رابطه با «ساخت دیوار حائل توسط اسرائیل از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، نگاه کنید به: (حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۹-۱۰۷).

۳. به نقل از: (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۴۷).

4. International Holocaust Remembrance Alliance's (1998)



دلیل تجلی قانونی حق تعیین سرنوشت خود، مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.<sup>۱</sup> بنابراین، بنیان این درهم آمیختگی، با انگیزه سیاسی بین مقاومت مشروع در برابر اشغال غیرقانونی و اقدامات یهودستیزی، غیرانسانی جلوه دادن اقدامات مردم فلسطین است. همچنین، در طول سال‌ها اشغال فلسطین و بالأخص، پس از حمله اکتبر ۲۰۲۳ اسرائیل به نوار غزه، از منظر «حق بر حقیقت»<sup>۲</sup> می‌توان استدلال کرد که به‌واقع، دولت‌های سیاسی مدافع صهیونیسم و نهادهای رسانه‌ای، اجتماعی و فرهنگی ایشان تلاش دارند تا حد ممکن این نسل‌کشی را پنهان کرده و آن را به‌مثابه خشونت عادلانه از سوی قوم یهودی به‌عنوان یک قربانی معرفی کنند. این تلاش اغلب تحت برنامه «هاسبارا»<sup>۳</sup> صورت می‌گیرد.

با وجود این، اخیراً تردیدهایی پیرامون عمومیت یا اطلاق قاعده «تعهد به عدم شناسایی و مساعدت به حفظ یک وضعیت غیرقانونی» در رابطه با تمام اعمال دولت اشغالگر مطرح شده است. از این‌رو، سؤالی که در این میان برجسته می‌شود، آن است که آیا اعمال یک دولت اشغالگر که منجر به ایجاد حقوق مکتسبه برای اشخاص ثالث ساکن در سرزمین اشغالی می‌شود، می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد؟ بررسی رویه قضایی اخیر دولت‌ها و محاکم بین‌المللی نشان می‌دهد که ممکن است معیارهایی برای پذیرش برخی اعمال دولت‌های اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی وجود داشته باشد. در این میان، منافع مردمان تحت اشغال و مسأله حق تعیین سرنوشت آنها باید به‌عنوان اصلی‌ترین معیار ارزیابی‌ها، مدنظر قرار گیرد. این امر به‌ویژه زمانی صدق می‌کند که معاهده‌ای باید در سرزمینی اجرا شود که حاکمیت بر آن، محل نزاع و جدل است. این موضوع همچنین می‌تواند در ارزیابی مشروعیت اعمال اداری و اجرایی مقامات غیرقانونی حاکم بر چنین سرزمین‌هایی، به‌عنوان استثنایی بر قاعده کلی عدم مشروعیت اقدامات اشغالگران تلقی گردد (ممتاز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۷-۱۳۸).

## ۴-۲-۲. حمایت از مقاومت ملت فلسطین در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۰ با اشاره ویژه به مسئله فلسطین، اعلام کرد: «تمام دولت‌هایی را که حق تعیین سرنوشت و استقلال مردم - به‌ویژه، مردم فلسطین و مردم آفریقا که هنوز تحت سلطه استعمار بیگانه و انقیاد خارجی هستند - را به رسمیت نمی‌شناسند، به شدت محکوم

1. HRC (Human Rights Council), 2022: Paras.71-79

2. The Right to the Truth

۳. «هاسبارا» (Hasbara) نوعی دیپلماسی تبلیغی است که بر مخاطبان جهانی - به‌ویژه نسل جوان - متمرکز شده تا با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی، ذهنیت افراد را نسبت به اسرائیل تغییر دهد و تلاش می‌کند تا از یک سو، با فعالیت‌های تبلیغاتی و ضدتبلیغاتی، تصویر یک دولت پیشرفته و صلح‌طلب از اسرائیل را به جهانیان ارائه دهد و از سوی دیگر، تلاش می‌کند از موضع انفعالی در برابر واکنش‌های جامعه بین‌المللی خارج شود (مؤمن‌نژاد و بابایی، ۱۴۰۰: ۱۳۷-۱۴۰).



می‌کند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، از تمام کشورها می‌خواهد مطابق با منشور ملل متحد و قطعنامه‌های مربوطه، به تمام مردمی که در حال مبارزه آزادی‌بخش برای استفاده کامل از این حق هستند، کمک معنوی، مادی و هر گونه کمک مورد نیاز دیگر ارائه دهند.<sup>۲</sup>

میان کشورهای غربی و سایر کشورها و همچنین، بین حقوقدانان در زمینه کمک کشورهای ثالث به این نوع مبارزات، اختلاف نظر وجود دارد. برخی نویسندگان غربی (هموند<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۲۳) معتقدند که کمک کشورهای ثالث به جنبش‌های آزادی‌بخش از نظر حقوقی مجاز نیست، زیرا هنگام تصویب قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی - معروف به اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل - در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰، اجماعی میان اعضای مجمع عمومی در این خصوص وجود نداشت. این استدلال بدون تردید پذیرفتنی نیست، زیرا نخست اینکه در مورد بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل نیز اجماع جهانی وجود ندارد. دوم اینکه قطعنامه مذکور به شیوه اجماعی تصویب نشد، بلکه از طریق رأی‌گیری و با اکثریت آرا به تصویب رسید. سوم اینکه مجمع عمومی در این قطعنامه به صراحت اعلام کرده است که جنبش‌های آزادی‌بخش می‌توانند در مبارزات خود برای اِعمال حق تعیین سرنوشت در برابر اقدامات زورمدارانه قدرت سلطه‌گر، از سایر کشورها مطابق با اصول منشور سازمان ملل درخواست کمک کرده و آن را دریافت کنند. با این حال، ابهام موجود در عبارت‌پردازی این اعلامیه - به ویژه، در عبارت «دریافت کمک و پشتیبانی مطابق اصول منشور» - باعث شد که برخی دیگر از حقوقدانان غربی در شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع برای مردمانی که تحت سلطه خارجی هستند، تردید کنند. آنها بر این باورند که کمک کشورهای ثالث باید به حمایت معنوی و دیپلماتیک محدود شود؛ البته، این گروه می‌پذیرند که اگر یک جنبش آزادی‌بخش یا مردمی که جنبش نمایندگی آنها را برعهده دارد، قربانی حمله مسلحانه شود، مداخله سایر کشورها بر اساس اصل دفاع مشروع جمعی می‌تواند قانونی تلقی شود (هس بروگه<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷: ۸۵؛ آلدِر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳: ۳۳). بنابراین، حتی بر اساس این دیدگاه حد اقلی نیز مردم فلسطین - که بارها مورد تهاجم ارتش اشغالگر قرار گرفته‌اند و جان و مال آنها همواره در معرض تهدید است - حق دارند برای دفاع از خود و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی‌شان، درخواست کمک‌های مادی و معنوی کنند.<sup>۶</sup>

با این حال، اکنون جهان بیش از یک سال است که نظاره‌گر نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در منطقه است. وضعیت کنونی غزه که با رنج‌های انسانی در مقیاس بزرگ، تلفات گسترده غیرنظامیان و شرایط زندگی وخیم به دلیل محاصره‌ها و اقدامات نظامی درهم آمیخته شده است،

۱. این موضع مجدداً در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۹۰ مورد تأکید مجمع عمومی قرار گرفت.

2. UNGA, 1973[B]  
3. Hammond  
4. Hessbruegge  
5. Alder

۶. به نقل از: (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۴۸-۸۴۹).

جملگی الزامات بشردوستانه لازم برای اقدام جمعی دولت‌ها در قالب مسئولیت حمایت جهت توقف جنایات رژیم صهیونیستی را برآورده می‌سازد؛ اما با وجود همه این نشانه‌های آشکار فاجعه انسانی و محکومیت گسترده بین‌المللی، واکنش دولت‌ها به این جنایات تنها محدود به درخواست آتش‌بس و کاهش اقدامات نظامی بوده است. در همین رابطه، کارشناسان شورای حقوق بشر ملل متحد طی بیانیه‌ای رسمی در ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴ با ابراز نگرانی از عملکرد منفعلانه کشورهای در اجرای نظریه مشورتی ۱۹ ژوئیه دیوان بین‌المللی دادگستری، اذعان داشتند که حملات ویرانگر به فلسطین نشان می‌دهد جامعه بین‌المللی با چشم‌پوشی بر مصیبت دهشتناک مردم فلسطین، ارتکاب جنایت نسل‌کشی صهیونیست در غزه را تسهیل می‌کند. به واقع، این صدای کارشناسان ملل متحد در بیانیه ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴ است که از همه دولت‌ها می‌خواهند تا نسبت به توقف اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیستی در منطقه، اقدامی عاجل صورت دهند.<sup>۱</sup>

### بحث و نتیجه‌گیری

«حق تعیین سرنوشت» و «مقاومت»، دو روی یک سکه هستند که در اسناد متعدد بین‌المللی، به‌ویژه قطعنامه‌های مجمع عمومی به رسمیت شناخته شده‌اند. بر این اساس، هنگامی که مردم با یک وضعیت غیرقانونی شدید مواجه می‌شوند که جامعه بین‌المللی به آن بی‌توجه است، مسلّم و معقول است که در برابر آن مقاومت کنند. در واقع، اشغال و تجاوز به دیگر سرزمین‌ها در پی دارنده حق دفاع مشروع و مقاومت برای ساکنان اصلی آن سرزمین است. در این راستا، ملت فلسطین طی بیش از نیم قرن اشغال نظامی، در اعمال حق تعیین سرنوشت خویش، تلاش‌ها و اقدامات مسالمت‌آمیز زیادی به عمل آورده‌اند، اما هیچ‌یک از آنها سرانجام خوشی برای فلسطینی‌ها به دنبال نداشت. بدین ترتیب، با عنایت به اوضاع و احوال حاکم بر فلسطین و توجه به عواملی همچون طولانی شدن غیرمتعارف اشغال نظامی، عدم رعایت حقوق بشردوستانه از سوی اسرائیل و ناتوانی ملل متحد بر اجرای تصمیمات متعدد خود، فلسطینی‌ها هیچ چاره‌ای جز مقاومت با تمام ابزارهایی که در اختیار دارند- از جمله مبارزه مسلحانه- نخواهند داشت. در واقع، این یک واقعیت انکارناپذیر است که مبارزات آزادی‌خواهانه مردمی که تحت اشغال قدرت خارجی یا تجاوز مسلحانه آن قرار گرفته‌اند، اصلی‌ترین ابزار باقی‌مانده برای آنان در استیفای حقوق خود باشد. در نتیجه، چنین مشروعیتی بر این امر استوار است که این موضوع مغایرتی با اصول منشور ملل متحد ندارد و در موقعیت نامتقارن ملت تحت سلطه در غیاب اراده سیاسی، این قبیل مقاومت از سوی فلسطینیان، اقدامی مشروع در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش است. چنین مقاومتی با ممنوعیت استفاده از زور مغایرتی ندارد، زیرا نوعی دفاع از خود جمعی توسط مردم است و در رویه دولت‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، این مقاومت توسط حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع نگردیده

1. OHCH, 2024

است؛ چراکه بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مردم تعهدی به وفاداری به قدرت اشغالگر ندارند و در نتیجه، مجاز به مقاومت در برابر یک قدرت اشغالگر غیرقانونی هستند.

بر این اساس، با توجه به اینکه حق مقاومت مردم فلسطین در راستای تعیین سرنوشت خود، در زمره «قواعد آمره» قرار گرفته و از مصادیق بارز «تعهدات عام‌الشمول» محسوب می‌شود، به طوری که هیچ توافق یا وضعیتی نمی‌تواند کوچک‌ترین خدشه‌ای را به اعمال این حق توسط سایر تابعان حقوق بین‌الملل وارد سازد، دولت اسرائیل موظف است از سرکوب و آزار و اذیت فلسطینی‌ها به‌خاطر این مقاومت مشروع، دست بردارد. علاوه‌براین، اسرائیل نمی‌تواند در برابر چنین اشکال مقاومتی، به دفاع مشروع از خود استناد کند و آن را دستاویزی برای نقض حقوق بین‌الملل قرار دهد یا اقدامات نامشروع خود از جمله سرکوب یا آزار و اذیت فلسطینی‌ها و همچنین، تغییر ترکیب جمعیتی و وضعیت سرزمین فلسطین را با آن توجیه کند؛ بنابراین، موظف است سرزمین‌های اشغالی را ترک نماید. دولت‌های ثالث نیز در مواجهه با چنین وضعیتی غیرقانونی ناشی از نقض یک قاعده آمره، نه تنها می‌بایست آن را نامشروع تلقی کرده و در استقرار یا حفظ آن مساعدت نکنند، بلکه موظفند مشروعیت مقاومت ملت فلسطین و مبارزات آزادی‌بخش ملی آنها را به رسمیت بشناسند و از کمک‌های مادی و معنوی خود به منظور پایان‌بخشیدن به نقض قواعد آمره و اشغالگری دریغ نوزند. با این حال، واجد تأمل است که با وجود شدت و وسعت جنایات بی‌امان و غیرقابل تصور اسرائیل از هفتم اکتبر، تاکنون هیچ درخواستی از سوی هیچ گروه مرتبط با مسئولیت حمایت برای اعمال تحریم یا ایجاد مناطق پرواز ممنوع برای مهار خشونت‌های رژیم صهیونیستی و یا هیچ نوع مداخله نظامی برای محافظت از فلسطینی‌ها در برابر جنایات گسترده این رژیم وجود نداشته است. این همان برخورد دوگانه قدرت‌های غربی در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی در غزه است که اعتماد جامعه بین‌الملل به ارزش‌های حقوق بشری و قواعد بین‌المللی را ویران ساخته است.

## منابع

- احمدی نژاد، مریم؛ امین‌الرعايا، یاسر و متاجی، محسن (۱۳۹۹). تحول مفهومی اشغال از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر وضعیت اراضی غزه. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۳)، ۱۲۶۳-۱۲۸۵.  
[https://jplsqt.ac.ir/article\\_75989.html](https://jplsqt.ac.ir/article_75989.html)
- اسماعیلی، مرتضی و علیزاده، نگین (۱۴۰۳). امکان‌سنجی تحلیل عملیات طوفان الاقصی در پرتو حق دفاع مشروع. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱۶(۴)، ۲۸۱-۳۱۴.  
[https://jls.shirazu.ac.ir/article\\_7898.html](https://jls.shirazu.ac.ir/article_7898.html)
- بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۵). «از تعیین سرنوشت تا مقاومت در مقابل سرکوب». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۹(۷۶)، ۱۱-۳۶.  
[https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56540.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56540.html)
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۵). ابتدای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه بین‌المللی در قبال آن. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶(۴)، ۸۲۵-۸۵۴.  
[https://jplsqt.ac.ir/article\\_60520.html](https://jplsqt.ac.ir/article_60520.html)
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۴). ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین‌الملل؛ درآمدی بر رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. *فصلنامه دین و ارتباطات*، ۱۱(۲۸)، ۶۹-۱۰۷.  
<https://www.magiran.com/paper/332468>
- حق سرشت، میثم و آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۸). فلسطین، یونسکو و صیانت از میراث فرهنگی در برابر نابودی از منظر حقوق بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹(۳)، ۹۹-۹۴۰.  
[https://jplsqt.ac.ir/article\\_70177.html](https://jplsqt.ac.ir/article_70177.html)
- زمانی، سید قاسم و آجلی لاهیجی، مهشید (۱۳۹۹). مبانی حق بر تعیین سرنوشت در سیاق مفاهیم فلسفی حقوق بین‌الملل. *فصلنامه تعالی حقوق*، ۶(۲)، ۱۱۰-۱۳۶.  
[https://www.thdad.ir/article\\_242303.html](https://www.thdad.ir/article_242303.html)
- ساعد، نادر (۱۳۹۳). *حقوق بشردوستانه و مسائل نوظهور (جنگ‌های پسانوین)*. چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- سلیمی، صادق و کاشانی، حبیب (۱۳۹۳). بررسی انطباق اقدامات رژیم اسراییل بر مصادیق جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۲۴(۷)، ۱۲۱-۱۴۶.  
[https://journals.iau.ir/article\\_522588.html](https://journals.iau.ir/article_522588.html)
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۳). *حقوق بین‌الملل عمومی*. چاپ هشتم و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- فضائی، مصطفی (۱۳۹۵). مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶(۱)، ۴۱-۷۰.  
[https://jplsqt.ac.ir/article\\_57465.html](https://jplsqt.ac.ir/article_57465.html)
- کدخدایی، عباسعلی و جلیلی، سید رضا (۱۴۰۳). استناد به امنیت ملی در رویه حقوقی بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۴(۱)، ۱-۲۴.  
[https://jplsqt.ac.ir/article\\_93388.html](https://jplsqt.ac.ir/article_93388.html)



-محمدی، عقیل؛ عابدینی، عبدالله و کیانی، امیرعباس (۱۴۰۳). توسل به زور در حقوق بین‌الملل: مورد مطالعاتی مخاصمه ۲۰۲۳ حماس و اسرائیل. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱۶(۱)، ۱۰۵-۱۴۴.

[https://jls.shirazu.ac.ir/article\\_7316.html](https://jls.shirazu.ac.ir/article_7316.html)

-مقامی، امیر (۱۴۰۳/الف). تعهدات و مسئولیت‌های ناشی از اقدامات گروه‌های مقاومت در برابر اشغال، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۴۱(۷۶)، ۸۱-۱۰۲.

[https://www.cilamag.ir/article\\_714664.html](https://www.cilamag.ir/article_714664.html)

-مقامی، امیر (۱۴۰۳/ب). حق مقاومت در برابر اشغال؛ با تأکید بر وضعیت فلسطین، *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱۶(۱)، ۱-۴۲.

[https://jls.shirazu.ac.ir/article\\_7335.html](https://jls.shirazu.ac.ir/article_7335.html)

-مقامی، امیر؛ ملت، محمدرضا و احسن نژاد، مسعود (۱۳۹۷). انتقال سفارت آمریکا به سرزمین‌های اشغالی فلسطین از منظر حقوق بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱۰(۳)، ۱۹۵-۲۲۵.

[https://jls.shirazu.ac.ir/article\\_5050.html](https://jls.shirazu.ac.ir/article_5050.html)

-ممتاز، جمشید؛ عزیزاده، مسعود و زر نشان، شهرام (۱۳۹۷). تعهد به عدم مساعدت به حفظ وضعیتی که در نتیجه نقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام ایجاد شده است. *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۲(۱)، ۱۳۵-۱۵۴.

<https://clr.modares.ac.ir/article-20-16173-fa.html>

-ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۹). حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه داخلی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.

-منفرد، مهوش و طباطبایی، سید احمد (۱۳۹۹). رژیم حقوقی قابل‌اعمال بر سیاست کشتار هدفمند اسرائیل در سرزمین فلسطین. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۲)، ۶۱۷-۶۳۶.

[https://jplsq.ut.ac.ir/article\\_74132.html](https://jplsq.ut.ac.ir/article_74132.html)

-مؤدیان، آمینه (۱۴۰۲). «حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان در ترازوبای حقوق بین‌الملل با تأکید بر وضعیت حقوقی حکومت خودخوانده امارت اسلامی». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۴(۷۸)، ۴۹-۸۱.

[https://qjpl.atu.ac.ir/article\\_15902.html](https://qjpl.atu.ac.ir/article_15902.html)

-مؤمن نژاد، جواد و بابایی، ابوالفضل (۱۴۰۰). بررسی دیپلماسی عمومی (هاسبارا) رژیم صهیونیستی. *فصلنامه فرصت*، ۳(۵)، ۱۱۴-۱۴۳.

[https://forsatsj.ut.ac.ir/article\\_86832.html](https://forsatsj.ut.ac.ir/article_86832.html)

-Abi-Saab, George (1979). "Wars of National Liberation in the Geneva Conventions and Protocols", *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, 165(2), 353-445.

<https://repository.graduateinstitute.ch/record/6514?ln=en>

-Alder, Murray (2013). *The Inherent Right of Self-Defence in International Law*, Berlin: Springer.

-Finlay, Christopher (2015). *Terrorism and the Right to Resist: A Theory of Just Revolutionary War*. Cambridge: Cambridge University Press.

-Gross, Aeyal (2017). *The Writing on the Wall: Rethinking the International Law of Occupation*. Cambridge: Cambridge University Press.

-Hammond, Jeremy (2009). *The Rejection of Palestinian Self-Determination*, Morrisville: Lulu Press.



-Hammouri, Shahd (2023). "The Palestinian People Have the Right of Resistance by All Means Consistent with the Principles of the UN Charter", *Law for Palestine*, Available at SSRN:

<https://ssrn.com/abstract=4551668>

-Hessbruegge, Jan (2017). *Human Rights and Personal Self-Defense in International Law*, New York: Oxford University Press.

-Mullerson, Rein (1994). *International Law, Rights and Politics: Developments in Eastern Europe and the CIS*. Oxfordshire: Routledge.

-Longobardo, Marco (2018). *The Use of Armed Force in Occupied Territory*. Cambridge: Cambridge University Press.

-Oppenheim, Lassa (1940). *International Law; A Treatise*, London: Longmans, Green.

-Ortynska, Natalia (2020). "The Genesis of the People's Right to Resist", *Traektoriâ Nauki*, 6(10), 2032-2038.

<https://pathofscience.org/index.php/ps/article/view/814>

-Pictet, Jean (1952). Commentary on the Geneva Conventions of 12 August 1949, Geneva: *International Committee of the Red Cross*.

-Richard R. Baxter (2013). "The Duty of Obedience to the Belligerent Occupant" (1950) *British Yearbook of International Law*, In: Richard R. Baxter, *Humanizing the Laws of War: Selected Writings of Richard Baxter*, Editor: Detlev Vagts and Others, New York: Oxford University Press.

-Rossello, Diego (2012). "Hobbes and the Wolf-Man: Melancholy and Animality in Modern Sovereignty". *New Literary History*, 43(2), 255-279.

[https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1456923](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1456923)

-Scobbie, Iain (2012). *'Gaza' in Elizabeth Wilmshurst, International Law and the Classification of Conflicts*. New York: Oxford University Press.

-Scott, James (2016). *The Proceedings of the Hague Peace Conferences: Translation of the Original Texts*, Prepared in the Division of International Law of the Carnegie, The Conferences of 1899 and 1907, Amsterdam: Leopold Classic Library.

-Waldron, Jeremy (2010). *Two Conceptions of Self-Determination; in: Samantha Besson and John Tasioulas. The Philosophy of International Law*. New York: Oxford University Press.

### **"Resolutions" & "Documents"**

-Committee on the Elimination of Racial Discrimination, 99<sup>th</sup> Session (2019). Concluding Observations (UN.Doc.CERD/C/SR.2742).

-European Parliament Document (1983). No.7.908.

-Gisha (2007), Disengaged Occupiers: The Legal Status of Gaza, Legal Center for Freedom of Movement.

-HRC (2022). Report of the Special Rapporteur on the contemporary forms of racism, racial discrimination, xenophobia and related intolerance, E. Tendayi Achiume (UN.Doc.A/77/512).

-HRC (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, Adopted at its Fifty-third Session, In Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, Part. Two (UN.DOC.A/CN.4/SER.A/2001/Add.1).

-ICJ (2019). Advisory Opinion on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965 (ICJ Rep 95).

-ICJ (2004). Advisory Opinion on the Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (No.131,A/ES-10/273).

-ICJ (1996). Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons.

- ICJ (1971). Advisory Opinion on the Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), (Separate Opinion of Judge Ammoun).
- ICJ (1949). Advisory Opinion on the Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations.
- Special Committee on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States (1967). 64TH Meeting (UN.Doc.A/AC.125 /SR.65).
- Special Court at the Hague (1949). Special Court of Cassation 'Hans Albin Rauter Case'.
- UNGA (2024). Admission of new Members to the United Nations (A/ES-10/L.30/Rev.1).
- UNGA (2022). deciding to request an advisory opinion of the International Court of Justice relating to the Israeli occupation of Palestinian territory (A/RES/77/400).
- UNGA (2018). Report of the Special Rapporteur on: 'The Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied Since 1967' (A/73/45717).
- UNGA (2012). The accordance of non-member observer state status to Palestine (A/RES/67/19).
- UNGA (2003). Report of the Secretary-General Prepared Pursuant to General Assembly Resolution ES-10/13 (UN.Doc.A/ES-10/248).
- UNGA (1988). The uprising (intifadah) of the Palestinian people (A/RES/43/21).
- UNGA (1980). Report of the Special Committee on Investigate Israeli Practices Affecting the Human Rights of the Population of the Occupied Territories (A/RES/35/122).
- UNGA (1973[A]). Question of Namibia (A/RES/3111).
- UNGA (1973[B]). Importance of the universal realization of the right of peoples to self-determination and of the speedy granting of independence to colonial countries and peoples for the effective guarantee and observance of human rights (A/RES/3070).
- UNGA (1970[A]). Declaration on the Strengthening of International Security (A/RES/2734).
- UNGA (1970[B]). The importance of the universal realization of the right of peoples to self-determination and of the speedy granting of independence to colonial countries and peoples for the effective guarantee and observance of human rights (A/RES/2649).
- UNGA (1970[C]). Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations (A/RES/2625).
- UNGA (1960). Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples (A/RES/1514).

### Website

- Adler, Nils and Others (2024), "Israel's War on Gaza Updates: Israeli Troops Storm Al-Amal Hospital"; Available at:  
<https://www.aljazeera.com/news/liveblog/2024/1/30/israels-war-on-gaza-live-israeli-forces-detain-dozens-in-un-shelter-raid/> [Last Accessed: 1 February 2024].
- Aljazeera (2024). "ICJ orders Israel to halt its offensive on Rafah, Gaza in new ruling"; Available at:  
<https://www.aljazeera.com/news/2024/5/24/icj-orders-israel-to-halt-its-offensive-on-rafah-gaza-in-new-ruling/> [Last Accessed: 30 May 2024].



- Al Mezan (2021). “The Gaza Bantustan—Israeli Apartheid in the Gaza Strip”; Available at:  
[https://mezan.org/uploads/upload\\_center/kLAKShfIAra2.pdf](https://mezan.org/uploads/upload_center/kLAKShfIAra2.pdf) [Last Accessed: 9 November 2023].
- Committee on the Exercise of the Inalienable Rights of the Palestinian People (1981). “Settlements/Mattityahu Drobless Plan/Settlements by Israel in the Illegally Occupied Arab Territories – Letter from CEIRPP Acting Chairman”; Available at:  
<https://www.un.org/unispal/document/auto-insert-186771/> [Last Accessed: 23 October 2023].
- <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/186/186-20230120-pre-01-00-en.pdf>
- OHCHR (2024). “UN experts warn international order on a knife’s edge, urge States to comply with ICJ Advisory Opinion”; Available at:  
<https://www.ohchr.org/en/statements/2024/09/un-experts-warn-international-order-knives-edge-urge-states-comply-icj-advisory> [Last Accessed: 30 September 2024].
- The World Bank, Cash-Strapped Gaza and an Economy in Collapse Put Palestinian Basic Needs at Risk: Press Release (Jerusalem, 28 September 2018); Available at:  
<https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2018/09/25/cash-strapped-gaza-and-an-economy-in-collapse-put-palestinian-basic-needs-at-risk> [Last Accessed: 30 November 2023].